

❁ قیام بابک در آذربایجان

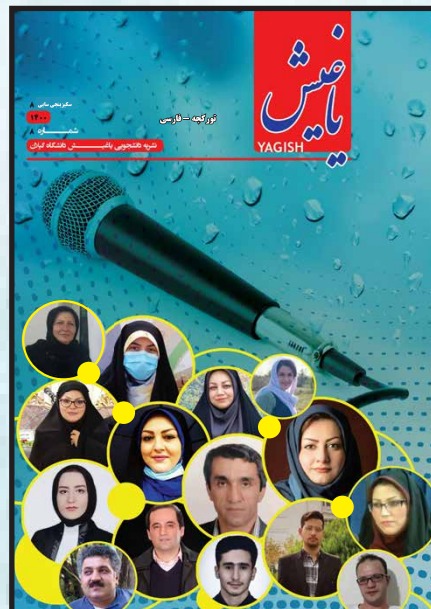
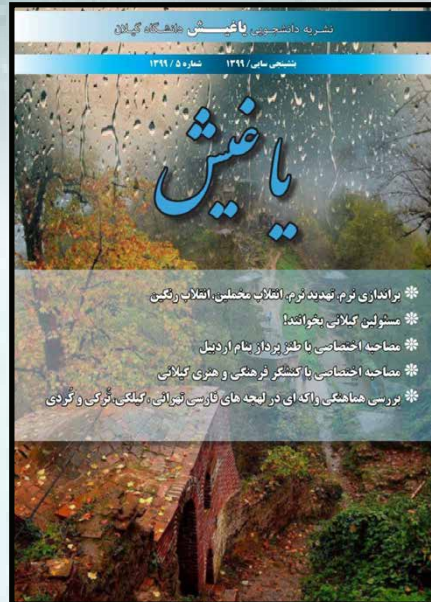
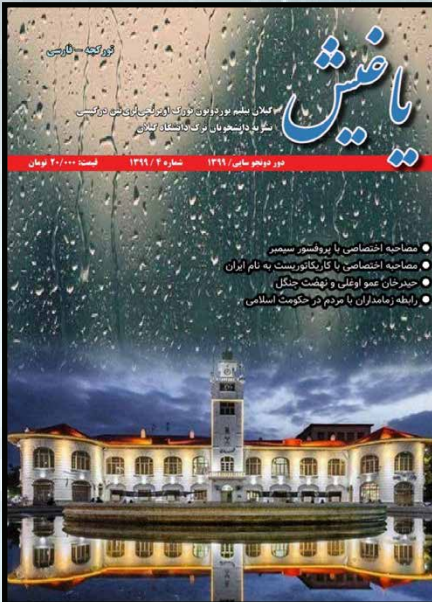
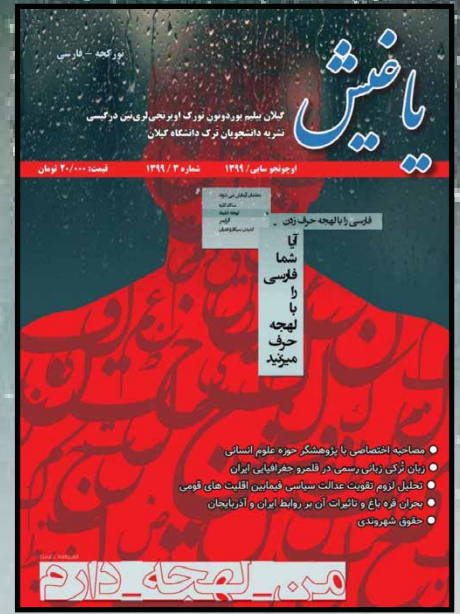
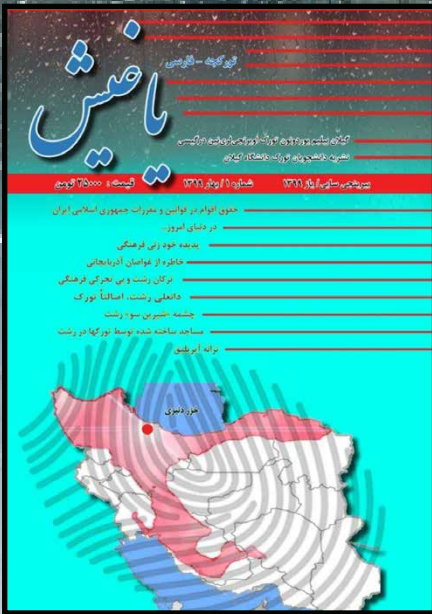
❁ رسانه و بحران اجتماعی

❁ غلامان تورک یا امیران قهرمان تاریخ

❁ علت عقب ماندگی ایران و مسلمانان در دیدگاه
دکتر شریعتی



آچه از یاغیشی منتشر شد



صاحب امتیاز:

ابراهیم گنجی افسوران

سر دبیر و مدیرمسئول:

ابراهیم گنجی افسوران

هیئت تحریریه:

سید محمد ابراهیمی، توحید ملک زاده دیلمقانی، زهرا اصغرپور، فاطمه قنبرزاده، حسین عبد اللهی،

فاطمه طیوری، رها عزیز زاده، مژگان ستاری، سارا نظری، سید محمد شفیع، فاطمه سمعتی

با تشکر از:

تمام دوستان عزیز که در چاپ این شماره از نشریه تلاش کرده اند

ترتیب و نوع نشر انتشار:

ماهانه _ چاپی _ الکترونیکی

زمینه های انتشار:

سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، ادبی، علمی

راه های ارتباطی:

شماره تماس: ۰۹۱۱۱۳۰۲۹۷۶

تلگرام: yaghishguilan@



دانشگاه کیلان

University of Guilan

آدرس: رشت، جاده تهران، کیلومتر ۵ جاده قزوین، مجتمع دانشگاه گیلان

کد پستی: ۴۱۹۹۶۱۳۷۷۶



فهرست

۶	قیام بابک در آذربایجان
۸	رسانه و بحران اجتماعی
۲۲	غلامان تورک یا امیران قهرمان تاریخ
۲۸	علت عقب‌ماندگی ایران و مسلمانان در دیدگاه دکتر شریعتی
۲۹	بنیادگرایی پاکستان
۳۰	چالش سلطه و قدرت‌گیری طالبان برای جمهوری اسلامی ایران
۳۱	طلاق و پیامدهای آسیب‌زای آن بر کودکان
۳۴	اندیشه راشد الغنوشی
۳۶	مصاحبه با خانم راحله عزیززاده
۳۸	طراحی و دوخت یقه‌های هوشمند و مجزا
۴۲	شعر فولکلوریک تورکی آراز آراز

ظالمین قورخو

مظلوما او سود

برای ظالم ترسی

برای مظلوم امید



قیام بابک در آذربایجان



دکتر توحيد ملك زاده دیلمقانی

یکسال بعد در سال ۲۰۵ هـ. ق خلیفه، عیسی بن محمد بن خالد را به جنگ بابک فرستاد و در جنگی که بین این دو لشکر افتاد عیسی شکست سختی خورد. با این شکست دامنه نفوذ بابک افزایش یافت.

حملات قوای خلیفه تقریباً هر سال ادامه داشت. در سال ۲۰۶ هـ. ق. دوباره خلیفه عیسی بن محمد بن ابی خالد را به جنگ فرستاد ولی وی شکست خورده عقب نشست.

در سال ۲۰۸ هـ. ق. علی بن صدقه معروف به زریق حکومت آذربایجان یافت و مأمور دفع بابک شد و شکست خورد. پدر وی صدقه چند سال پیش اورمیه را به اشغال خود در آورده بود و سپس به شهرهای مجاور از جمله سلماس حمله کرده و جزو قلمرو حکومت خود درآورده بود. دامنه حکومت وی از جنوب به موصل نیز می رسید.

بدین ترتیب هر لشکری که از سوی خلافت بغداد مأمور دفع بابک می شد شکست خورده و گهگاهی از سردارانش کشته می شد.

در هر حال آغاز مأموریت افشین در جنگ با بابک را سال ۲۲۰ هـ. ق. نوشته اند. در طی جنگهایی که گذشت مردان و زنان بیشماری از

پدر بابک را مردی روغن فروش از مداین نوشته اند که مادر بابک از آذربایجان وصلت کرد و بابک ثمره این ازدواج بود. گرچه خروج بابک علیه مأمون عباسی را سال ۲۰۱ نوشته اند لیکن نخستین بار قیام خرمیان از سال ۱۶۲ هـ. ق ثبت شده است. خرمیان طایفه ای از باطنیان بودند و «آنان عقیده داشتند که سازمانهای اجتماعی که بر پایه عدم تساوی مالی و ظلم و اجحاف مبتنی است آفریده مبداء تاریکی یا اهریمن است و تبلیغ می کردند که با سازمانهای ظالمانه باید فعالان مبارزه کرد.» (تاریخ ایران، ترجمه کشاورز، ص ۱۹۲)

بابک با تصرف قلعه های اطراف در کوههای کلبر در آذربایجان مبارزه علنی خود را شروع کزده بطوریکه پس از سه سال از قیام بابک، در سال ۲۰۴ هـ. ق لشگری به سرداری یحیی بن معاذ از طرف خلیفه برای دفع وی روانه قلعه بزد شد.

بابک با قوای مسلح خود به جنگ وی رفت و یحیی را شکست داد. در این لشگریان گروهی از سواران ترک آسیای میانه که به مرکز خلافت اسلامی آمده بودند دیده می شد.

چرا که این دامنه دارترین شورش و درعین حال نزدیکترین محل قیام مسلحانه به مرکز خلافت اسلامی شمرده می شد که خلیفه توانایی کافی برای سرکوب آنرا نداشت.

کشته های این جنگ بحدی بود که مورخین نیز در آن اختلاف دارند. طبری و ابن اثیر شمار آنها را دویست و پنجاه هزار و پانصد تن برآورد کرده اند و در عوض مسعودی ۵۰۰ هزار تن تخمین زده است.

۹ خرداد ۱۴۰۰

هر دو طرف کشته شد. مأموران خلیفه طرفداران بابک را به جرم زندیقی به قتل می رساندند

جنگ مستمر افشین با بابک را حدود ۳ سال نوشته اند و در سال ۲۲۳ هـ. ق. بود که «بذقالاسی» مرکز حکومت بابک با حيله به تصرف افشین در آمد و بابک دستگیر و در نهایت بابک کشته شد.

پس از تصرف بذ، خلیفه، طی فرمانی افشین را حاکم آذربایجان قرار داد :

« من، المعتصم بالله خلیفه عباسی، آذربایجان را به حیدرین کاوس افشین سپهسالار بزرگ خود و درهم کوبنده بابک وا می گذارم.»

سکوت مورخین عرب دوره اسلامی و اتهام وی به بی دینی، اشتراک در زن و ... و عدم توجه به جزئیات این امر بزرگ قابل توجه است.





مژگان ستاری حسنلویی

ارشد روزنامه نگاری دانشگاه علامه طباطبائی



رسانه و بحران اجتماعی



پدیده سوم: تحولات جمعیتی ایران امروز است که یک موضوع کاملاً داخلی است.

تقریباً از دو دهه گذشته در روندی عادی و از دهه گذشته تاکنون به طور شتابان با پدیده های دوم و سوم روبه رو بوده ایم و به طور ملموس بحران های ناشی از آنها همواره گریبان ما را گرفته است. شاید امروزه با توجه به فرآیند جهانی شدن و «انقلاب ارتباطات»، پدیده نخست به طور سریع و عمیق در حال گسترش بوده است. وضعیت پیش آمده در ایران امروز به نحوی است که این سه پدیده در هم تنیده و علت ساز همدیگر شده و یکدیگر را تقویت و تشدید میکنند. هر چند پدیده ساختاری و جمعیتی مختص ایران نیست، اما بنا بر علل جمعیتی، فرهنگی و ساختاری وضعیت ایران امروز تا حدودی متمایز شده است. به هر حال هر جامعه ای که از نظر تحول جمعیتی و ساختاری شبیه جامعه ایران امروز باشد، ویژگی های مشترک با ایران وجود خواهد داشت و تقریباً تمام جوامع جهان سوم با وجود تفاوت های موجود، از خصوصیات و بحران های مشابه برخوردارند. پدیده اول که متأثر از فرآیندهای جهانی سازی است، یک پدیده بین المللی و جهانی محسوب می شود، یعنی پدیده های که فارغ از خواست دولت ها، خواه یا ناخواه در جهان امروز به پیش می رود. هر چند گیدنز آن را یک پدیده داخلی-خارجی می داند، (آنتونی گیدنز، ۱۳۸۲) اما به لحاظ آثار اجتناب ناپذیر و بعضاً ناخوشایند آن برای دولت های جهان سوم بیشتر یک پدیده خارجی تلقی می شود. یک تفاوت مهم میان ایران با دیگر کشورهای جهان سوم، وجود دارد. در ایران علاوه بر آثار عمومی جهانی شدن، متغیر مکمل

امروزه با گسترش فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، رسانه ها قادر هستند وقایع دنیای پیرامون را لحظه به لحظه به سراسر جهان مخاطره کنند. بنابراین اتفاقات و حوادثی که در داخل و اطراف کشورها روی می دهد، برای آگاه سازی مخاطبان بسیار اهمیت دارد. به طور کلی دیدگاه مردم نیست به فعالیت و رفتار اصحاب دعوا از همین جا ناشی می شود که از دید و نگاه حرفه ای، رسانه ها تا چه اندازه در اطلاع رسانی صحیح و اثر بخش به مردم بوده اند. دیدگاه مردم نسبت به فعالیت های رسانه ها از این ناشی می شود که از دید حرفه ای، رسانه ها تا چه اندازه در اطلاع رسانی صحیح و اثر بخش به مردم موفق بوده اند؟ بنابراین، با وجود انواع ابزارهای ارتباطی، تبلیغاتی و رسانه ای مانند تلویزیون، مطبوعات، کتاب، تئاتر و سینما، مردم به دنبال رسانه های امین و با کیفیت برتر و فراگیر هستند و آن دسته از رسانه هایی را که از لحاظ عملکرد، دارای ویژگی برتر باشند مورد توجه قرار می گیرند.

۱- طرح موضوع و تعریف آن

در ایران امروز، سه پدیده اصلی را می توان به عنوان علت های اصلی بحران ساز برشمرد:

پدیده اول: بحران های داخلی ناشی از «آشوب های نوین جهانی» که پدیده های خارجی است.

پدیده دوم: تحولات ساختاری است که پدیده های داخلی با امکان تأثیرپذیری از خارج، محسوب می شود.

با عنوان یک مقطع متراکم زمانی برای تصمیم گیری یاد می کند که می تواند به دلیل حجم تهدیدهای ناشی از نوع تصمیم، مخاطرات بسیاری را متوجه منافع بازیگر سازد (رایینسون، ترجمه پژوهکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۵، صص ۱۲۳-۱۲۲)

۳- ابعاد بحران رسانه ای

با توجه به اشکال سه گانه بحران ها، لازم به نظر می رسد از نقش رسانه ها در هر سه مورد سخن گفته شود و از این طریق تصویری جامع از راهبرد مدیریت رسانه ای بحران ها ارائه شود:

۳-۱- رسانه و هدایت افکار عمومی

از آنجا که رشد فزاینده «انتظارات ارزشی» می تواند نظام سیاسی را در معرض توقعات بی شماری قرار دهد که موجب تحلیل توانایی نظامی شود، رسانه ها به منظور مدیریت بحران های احتمالی لازم است چند سیاست اصلی را در دستور کار خود قرار دهند. نگارنده، این سیاست ها را به صورت گزاره های سلبی (آنچه رسانه نباید انجام دهد) و ایجابی (آنچه رسانه باید انجام دهد) متناسب با مراحل عمومی یک بحران (پیش از بحران - حین بحران - پس از بحران) به شرح زیر پیشنهاد می دهد:

گزاره اول: رسانه لازم است در جذب، تجمع و بیان انتظارات ارزشی جامعه، اصول بنیادین نظام را محترم شمارد.

از آنجا که هویت هر نظام سیاسی بر اصولی خاص و محدود بنیاد گذارده شده است که تغییر و تحول در آنها به تغییر ماهیت نظام سیاسی منجر می شود، لازم است این حدود از سوی رسانه ها پاس داشته شود. از این منظر اقدام رسانه ها در راستای نقد، نقض یا نفی اصول بنیادین نظام (اصولی چون جمهوریت، اسلامیت، ولایت و ... که در قانون اساسی از آنها با عنوان اصول لایتغیر یاد شده است) می تواند به وقوع شرایط بحرانی کمک کند. این گزاره از ارزش چندگانه ای برخوردار است. به این معنا که در دوره پیش از بحران، ارزش پیشگیری دارد؛ در

و تسهیل کننده بحران زایی دیگری و به عبارتی متغیر واسط دیگری هم وجود دارد که پدیده نخست را از حالت طبیعی گونه آن خارج نموده و ترکیب این دو پدیده، پدیده بحران ساز جدیدی را شکل می دهد. چنانچه بخواهیم راجع به بحران های ایران، شناختی دقیق کسب نماییم، نمی توان واقعیت تأثیرگذاری سیاسی متغیر خارجی را نادیده تصور کنیم. این متغیر، یا همان علائق سیاسی کشورهای قدرتمند به نحوی قوی و تأثیرگذار بر فضای اجتماعی- سیاسی ایران امروز اثر دارد که در بررسی مسایل بحران ایران نمی توان از آن چشم پوشی کرد. هر چند این «متغیر علت ساز»، در مباحث علمی علوم اجتماعی نمی گنجد، اما یک واقعیت سیاسی است که در کنار تحلیل های جامعه شناسی بحران، باید آن را مورد توجه قرار داد. بنابر این جامعه شناسی بحران ناچار است یک عامل دیگر را نیز تحت عنوان علائق سیاسی قدرتمندان جهانی، یا قدرت هژمونی جهانی، عوامل علت ساز یا مکمل علت های بحران ساز در نظر داشته باشد. برخی معتقدند این عامل حالت تسهیل کننده و تشدید کننده سه پدیده را دارد و متغیر مربوط به هژمونی به تنهایی خود هیچ وقت علت هیچ بحرانی در ایران امروز نمی تواند قرار گیرد. این متغیر البته نه در مرحله شکل گیری و پیدایی، بلکه زمانی که بحران در سطح خودنمایی نموده و شروع می شود، به عنوان عامل محرک وارد شده و به دخالت می پردازد. زمانی که بحرانی آغاز می شود در تشدید بحران کمک میکند. یعنی متغیر علائق سیاسی هژمونی به طریقی در تشدید بحران و سرعت گرفتن بیشتر آن کمک می کند و خود بودن علل اجتماعی قادر نیست یک بحران اجتماعی را به وجود آورد.

۲- مفهوم بحران

بحران واژه ای با کاربرد های عام بسیار (از قبیل فشار، اضطراب، اضطراب، فاجعه و ...) است که از سوی طیف گوناگونی از اندیشمندان (اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ...) مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در نتیجه معانی متعددی برای آن ارائه شده است. شاید بتوان تعریف «جیمز رایینسون» را که از ترکیب تعاریف ماهوی و صوری بحران به دست آمده است، تعریفی جامع و کاربردی ارزیابی کرد، آنجا که ز بحران

زمان وقوع بحران، از ارزش کاربردی برای مهار و تحدید بحران برخوردار است و در دوره پس از بحران، ارزش ترمیمی آن، جامعه را از درگیر شدن در بحرانی دیگر حفظ می کند. به همین دلیل لازم است، رسانه خود را در چارچوب «اصول بنیادین نظام» فهم و بازتعریف کند (افتخاری، ۱۳۸۱-الف، صص ۱۳۶-۱۰۸).

گزاره دوم: رسانه باید در مقام دریافت، تجمیع و بیان انتظارات ارزشی جامعه، نسبت به پالایش و مدیریت عرضه خواسته ها فعال - و نه منفعل - باشد.

رسانه ها در مقام بیان توقعات جامعه، می توانند دو سیاست اصلی را پیشه کنند:

نخست: بزرگ نمایی که در نهایت، تصویری به مراتب بزرگ تر از آنچه مدنظر شهروندان است، تولید و به درون نظامی سیاسی برای دریافت پاسخ مقتضی، تزریق می شود.

دوم: کوچک نمایی که در نهایت، به ارائه تصویری به مراتب کوچک تر از خواست عمومی به نظام سیاسی منتهی می شود (ضیایی پرور، ۱۳۸۳، صص ۲۹۳-۲۶۹).

اگرچه تأکید دولتمردان و تحلیلگران بر «واقع نمایی» (به معنای پرهیز از هردو سیاست بالا) است، مقتضای یک جامعه رسانه ای فعال و پویا نه تنها پرهیز از سیاست های بزرگ نمایی یا کوچک نمایی است؛ که افزون بر آن رسانه باید قابلیت دریافت، پالایش و سپس عرضه تقاضاها را داشته باشد. در این صورت است که واقعیت، به شکلی تدریجی (متناسب با توانمندی نظام سیاسی) وارد نظام می شود و پاسخ مقتضی را دریافت می کند. «پالایش» این امکان را به رسانه می دهد که ضمن احتراز از سانسور با انتقال واقعیت ها به شکل مقتضی از بروز بحران جلوگیری کند. در واقع تراکم خواسته ها و انتقال یک باره آنها به درون نظام می تواند منجر به بروز بحران ناکارآمدی درون نظام شود و بی ثباتی را دامن بزند (افتخاری، ۱۳۸۰-الف، صص ۸۶-۸۳). در واقع رسانه، به منظور تأثیرگذاری مثبت بر مدیریت بحران ها، موظف به «هدایت افکار عمومی» است. به این صورت که:

۱. رسانه باید نقش آگاهی بخشی خود را به یاد داشته باشد و از برخورد ابزاری با جریان افکار عمومی (در راستای تحصیل منافع خاص حزبی یا صنفی) به شدت بپرهیزد. در مقابل، باید در ارائه آموزش نظری و عملی به مخاطبان خود (توده مردم) فعال باشد و از این طریق در هدایت آن ایفای نقش کند.

۲. رسانه باید جایگاه خود را در میانه «قدرت - مردم» پیدا کند و نسبت به خواسته های عموم و ضرورت های قدرت - هردو- احساس تکلیف کند. تنها در این صورت است که رسانه، به جا توسعه دامنه بحران، می تواند به عنوان یک عامل رهبر، در مهار و تحدید مرزهای بحران ایفای نقش کند.

در مجموع به دلیل اینکه انتظارات ارزشی از مجرای رسانه به درون نظام منتقل می شود، رسانه با درک نقش حساس خود در رویارویی با افکار عمومی، می تواند عاملی موثر برای جلوگیری از وقوع بحران یا در صورت وقوع، مدیریت ابعاد آن باشد.

۳-۲- رسانه و اصلاح

رسانه نهادی متعلق به حوزه جامعه مدنی است. بنابراین در ارتباط با «قدرت سیاسی» چند وظیفه مشخص دارد که انجام آن ها می تواند از بروز یا توسعه بحران درون جامعه جلوگیری کند:

گزاره سوم: رسانه با نقد سازنده عملکرد قدرت رسمی، باید به فعال سازی ظرفیت های بالقوه حاکمیت کمک کند.

اگرچه حکومت برای ادار بهتر جامعه، پیوسته از بدنه کارشناسی جامعه کمک می گیرد، بنا به دلایل متعدد، این مساعدت به صورت کامل و فراگیر صورت نمی پذیرد. برای مثال «مایرون واینر» و «ساموئل هانتینگتون» با بررسی جوامع در حال توسعه به مواردی مانند: احتراز گروهی از نخبگان فکری از همراهی با قدرت رسمی، هزینه های معنوی و بالای مشاوره، صعوبت درک ایده های نخبگان از سوی حوزه اجرا، و ... اشاره دارند که در نهایت بهره مندی قدرت از منابع فکری را با مشکل روبه رو می کند (واینر و هانتینگتون، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹).

در چنین شرایطی است که به طور معمول ساخت رسمی قدرت به سمت

بسته شدن گرایش پیدا می کند. به این معنا که قدرت یا خود را از دیدگاه های اصلاحی و تکمیلی بی نیاز و محروم می سازد؛ یا اقدام به تأسیس نهادهای رسمی و تحقیق و مشاوره در دل ساخت رسمی قدرت می کند که طبعاً محدود و با قابلیت علمی پایین ارزیابی می شوند. در هر دو حالت، «قدرت» از دریافت دیدگاه های اصلاحی محروم می شود و در نتیجه کارآمدی کاهش می یابد (هانتینگتون، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۰).

در چنین وضعیتی است که رسانه با قرارگرفتن در میانه جامعه فکری و سازمان قدرت، فرصت و امکان تبادل نظر و تعامل «فکر - قدرت» را فراهم می سازد.

این نقش رسانه در مدیریت بحران بسیار تأثیرگذار است. به این معنا که رسانه می تواند رابط قدرت با گروه های مرجع باشد و دست کم دو هدف ویژه زیر را به هنگام بروز بحران محقق سازد:

نخست: ممانعت از گسترش ناراضیاتی در حوزه نخبگان و تسری آن به درون جامعه

دوم: استفاده از ظرفیت گروه های مرجع در مهار بحران
اما نقش مهم تر رسانه، در دوره پیش از بروز بحران است. به این صورت که رسانه با نقد قدرت می تواند آن را از کاستی های احتمالی برحذر دارد و به افزایش کارآمدی نظام سیاسی کمک کند. در این صورت است که تصویر دولت در جامعه، اصلاح و تقویت می شود و در عمل احتمال بحران سازی، کاهش می یابد.

گزاره چهارم: رسانه در تصویرسازی از قدرت، باید به صورت توأمان از تخریب دولت و ایجاد غفلت راهبردی، پرهیز کند.

این واقعیت که امروزه تمام سیاست ها بر بنیاد تصاویر شکل می گیرند و این رسانه ها هستند که طلایه دار جریان «تصویرسازی» به شمار می روند، ما را به نقش حساس رسانه واقف می سازد. از این منظر رسانه قادر است عملکرد مثبت قدرت را نادیده بگیرد و به تولید تصویری منفی از قدرت (با تأکید بر نواقص و کاستی های آن) اهتمام ورزد؛ یا از طریق تبلیغات و بزرگ نمایی محورهای مثبت، به تصویری کاملاً مثبت از قدرت برسد. آنچه در بحث بحران مهم به نظر می رسد این است که:

۱. تصویرسازی منفی از قدرت، منجر به تضعیف بنیادهای نظام سیاسی در جامعه و در نتیجه آسیب پذیری آن در مقابل تهدیدات خارجی و در نهایت تسریع در تولید بحران می شود (سیاست تخریب)
 ۲. فقط بزرگنمایی وجوه مثبت قدرت سیاسی، به دلیل ایجاد غفلت راهبردی در درون جامعه، در میان مدت یا بلند مدت، به بروز ناهنجاری های شدید (همچون انقلاب) می انجامد و آینده نظام سیاسی را با بحران رو به رو می سازد (سیاست غفلت).
- نتیجه آنکه، رسانه در مقام تصویر سازی از قدرت باید از تخریب و کارگزاری صرف قدرت دوری جوید؛ زیرا پیامد هر دو حالت، بروز بحران در درون جامعه خواهد بود.

۴- اهداف بحران رسانه ای

۴-۱- کنترل و پایان بحران

جنگ سرد، جهان را به طور جدی وارد مرحله جدیدی کرد که این مرحله، قطعاً با مرحله پیش از آن متفاوت بود. تفاوت اساسی ایجاد شده در این مرحله که عمده تا پس از چنگ جهانی دوم آغاز گردید، تغییر ایجاد شده در سطح روابط بین الملل (international relations) به نفع ارتباطات بین الملل (international communications) است (مولانا، ۱۳۸۴). به عبارت دیگر، قدرت (power) از نیروی عینی ظاهری همانند قدرت نظامی و نیروهای سخت افزاری به نیرو و قدرت های ذهنی و درونی همچون افکار عمومی، اعتقادات و فرهنگ که در مفهوم «ارتباطات» نهفته است، منتقل گردید. بنابراین، دوره پس از جنگ جهانی دوم، به ویژه مرحله جنگ سرد، که در آن فناوری مربوط به رسانه های جمعی مدرن تحول اساسی و گسترده ای پیدا کرد، مرحله تبدیل و انتقال قدرت از یک شکل به شکل دیگر بوده است.

بحران های بین المللی مربوط به مرحله ی بعد از جنگ سرد، بیش از آنکه به قدرت نظامی، وسعت سرزمین، تعداد جمعیت کشور، قدرت اقتصادی و نیروهای مادی بستگی داشته باشد، به قدرت ارتباطات مردمی و تبلیغات در سطح جهانی بستگی دارد.

رسانه های نوین وضعیت بحران های ملی و بین المللی را وارد مرحله ای جدید کردند. انتقال از کهکشان شفاهی به کهکشان گوتمبرگ و سپس به کهکشان مارکنی (محسنیان راد، ۱۳۸۴-ب) و سرانجام، عصر مجازی و دیجیتال پیامد های خود را داشته است. در مرحله ی شفاهی و گوتمبرگ، انتشار پیام، که نقش اساسی در شکل گیری بحران و پخش آن دارد، عمدتاً بر پایه ی فرد تا اجتماعی، دولتی تا مردمی و ملی یا حداکثر منطقه ای تا بین المللی بوده است.

در مراحل بعدی و به ویژه در عصر دیجیتال و جهانی شدن وضعیت و گستره ی انتشار پیام کاملاً ترکیبی از فرد و جامعه، دولت و مردم، ملی و بین المللی و جهانی است (جدول شماره ۲). در این وضعیت پیام نه تنها ناقل معناست بلکه تولیدکننده ی معناست. در این حالت است که بحران می تواند پیچیده تر، عمیق تر، گسترده تر و جدی تر باشد.

گسترده بحران در کهکشان شفاهی و گوتمبرگ	گسترده بحران در کهکشان مارکنی و عصر جهانی شدن
فردی	اجتماعی
دولتی	دولتی - مردمی
ملی	بین المللی

جدول شماره ۲: تفاوت گسترده بحران در کهکشان های مختلف ارتباطی

اصولاً رسانه ها به دلیل قدرت بسیار زیاد آن ها در جذب مخاطبان انبوه و توانایی در شکل دادن به افکار و آرای عمومی، نقش اساسی در بحران ها و برخوردهای سیاسی، اجتماعی و نظامی ایفا می کنند. نقش دوگانه ی رسانه ها در بحران سازی و بحران زدایی، قدرت آن ها در ایجاد، کنترل و پایان دادن به بحران ها را روشن می کند. رسانه ها با خلق پیام های غیرواقعی یا به عبارت دیگر، تولید «شایعات» و «سیاه نمایی» می توانند بحرانی را ایجاد و با تبیین و تفسیر بحرانی را کنترل و با پخش مداوم واقعیات و اقدامات، بحرانی را کنترل کنند. بالانتین در این رابطه می گوید:

«تاثیر رسانه ها بر تصمیم گیری های سیاسی و واکنش های مخاطبان،

به طور فزاینده ای مورد توجه بازیگران مختلف قرار می گیرد، بدین سبب که توانایی رسانه ها در جذب مخاطبان انبوه و مشارکت در فرایند شکل دهی افکار عمومی، قدرت قابل ملاحظه ای برای مداخله در بحران ها و کشمکش ها به آن ها می بخشد» (Ballantine, ۲۰۰۳).

دنیس مک کوئیل این قدرت رسانه ای را در توانایی ذاتی رسانه می داند و می گوید:

«رسانه ها می توانند تغییرات پیش بینی شده یا تغییرات ناخواسته را موجب شوند، تغییرات محدودی (به لحاظ شکل) ایجاد کنند، تغییرات (خواسته یا ناخواسته) را تسهیل کنند، وضع موجود را تقویت کنند (بدون تغییر) و یا از تغییر جلوگیری کنند. همه ی این تغییرات در سطح افراد، نهادهای جامعه و فرهنگ رخ می دهد» (McQuail, ۲۰۰۰, p. ۴۲۴). این قدرت رسانه ای که در رابطه با جنبه ی ارتباطی بحران ها (communication aspect crises) قرار می گیرد، بنا به گفته ی تن برگ، تاکنون مطالب زیادی در مورد آن نوشته نشده است (تن برگ، ۱۳۷۳، ص ۱۶).

گرچه مطالعات نه چندان زیادی در مورد جنبه ی ارتباطی بحران ها صورت گرفته است، همان گونه که گذشت، رسانه های مدرن با ارائه نقش های مختلف، توانایی زیادی در آغاز، مدیریت و فرجام بحران ها دارند. این توانایی عمدتاً از طریق چهار شیوه تاثیرگذاری که مبتنی بر نظریه ی کاشت (cultivation theory)، انگاره سازی، اسطوره سازی و نقش وقایع رسانه ای (media events) است، عمل می کند (جعفری، ۱۳۸۴، صص ۲۲۲-۲۲۶).

رسانه ها با به کارگیری شیوه های روی هم انباشتگی تاثیرات جزئی (نظریه کاشت)، تصویرسازی جنبه های گوناگون واقعیت در اذهان (انگاره سازی)، تبدیل گفتمان های رسانه ای به حالت های قضاوت مدارانه (اسطوره ای) و سرانجام، خلق معنا در توالی حوادث (وقایع رسانه ای) به شکل جدی و فراگیر در تولید، انتشار، کنترل و پایان بحران ها می توانند تاثیرگذار باشند.

۴-۲- ایران؛ بحران هویت و رسانه

همان گونه که گفته شد، بحرانهای هستی شناختی / وجودی (یا هویتی)، شایع ترین و در عین حال، مخرب ترین بحران های عصر وانموده هستند. هویت، مفهومی است که دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می کند.

هویت ها، معناهایی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می دهند و مردم به واسطه آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می شوند. مردم به دیگران و مهم تر از همه به خودشان می گویند چه کسی هستند و سپس می کوشند به گونه ای رفتار کنند که از آن کسی که تصور می کنند هستند، انتظار می رود (هولاند، ۱۹۹۸). هویت، حصار نمی شناسد، با ایستایی، ماندگاری و اقامت های دائم «در خود» و با خود بیگانه است، طی الارض و در نوردیدن مرزها را سخت می پسندد و حضور در نزد همگان و برخوردی از نوع نزدیک و از سر آشنایی دیرینه، در عین دوری و بیگانگی با «دیگران»، به آن آرامش و قرارت پر نشاط و شاداب می بخشد.

در جهان وانموده و حاد واقعیت کنونی، آدمیان در مسیر و معرض نوعی «هویت ساز» کاذب قرار می گیرند: تولید «خود» های کاذبی که جای «خود» واقعی آنان می نشینند، به جای / برای ایشان می اندیشند و «خوب» و «بد» شان، «هنجار» و «ناهنجار» شان، «زشت» و «زیبا» ایشان را انشا می کنند. کار کرد جهان و انموده، اساسا نشان دادن شخصیت های دنیای والت دیسنی» به جای شخصیت های حقیقی است. به سخن دیگر، دنیای حاد. واقعیتی، دنیای ماورای واقعیت است. دنیایی که در آن هویت های کاذب جایگزین هویت های واقعی می شوند. چنین دنیایی، خبر از عصر تولید و باز تولید نشانه های ارتباطی و هنجاری، صدور آنها و همگون و شبیه سازی آدمیان می دهد.

انسان ایرانی امروز نیز، در معرض و مسیر چنین طوفان هویت براندازی قرار گرفته است. این انسان، به نحوی فزاینده به مصرف کالاهایی می

پردازد که در بازار جهانی نشانه ها» عرضه می شوند. زندگی او، در چنین شرایطی، در چرخش بی وقفه نشانه هایی هدایت می شود که بر آنچه در دنیا اتفاق می افتد (نشانه های خبری)؛ آن نوع هویتی که او آرزو دارد بروز دهد (نشانه های درباره خود)؛ موقعیت او نشانه های منزلت و اعتبار)؛ اغراضی که ساختمان های مورد پسند او در خدمت آن هستند (نشانه های معمارانه) و سلائی زیباشناسی او (نشانه های روی دیوارها، میزها و بوفه ها) دلالت دارند.

امروزه، شبکه های متعدد تلویزیونی و پایگاههای متنوع اینترنتی، تجربه هایی از فرهنگ مسلط را به خانه های انسان ایرانی آورده و از درون، انسان و جامعه ایرانی را به چالش طلبیده اند؛ آرامش آنان را بر هم زده اند؛ چشم اندازها و منظر های آنان را به شدت تحت تأثیر فرآورده های خود قرار داده اند؛ نظام دانایی و نظام صدقی مسلط آنان را خدشه دار کرده اند؛ نظام سیاسی و مدیریتی حاکم بر آنان را با بحران ناکارآمدی مواجه ساخته اند و فاصله میان آنان را به عنوان کسانی که در انقلاب اطلاعاتی و اقتصاد جهانی سهم چندانی ندارند، با آنانی که در این امور سهمی دارند، بیشتر و پرشتاب تر از گذشته، افزایش داده اند.

در جامعه امروز ایرانی، چت روم ها یا میدان های چند کاربردی، به عنوان یکی از پر طرفدار ترین میدان های اینترنتی، شرایط جدیدی را برای کاربران فراهم کرده و مرزهای تازه ای را در شکل گیری خرده فرهنگ ها، ارزش ها و هویت جوانان پدید آورده اند. دو فرایند رسانه ای شدن» و «خانگی شدن» به نحوی فزاینده، به توصیف کنندگان جدی گذران بخش عمده ای از فراغت جوانان در جامعه ایرانی تبدیل شده اند (ذکایی، ۱۳۸۳). گمنامی، سرعت ارتباطات و سیال بودن آن، پیامدهای گسترده ای برای روابط جنسیتی و الگوهای ارتباطی و دوست یابی جوانان ایرانی در بر داشته است. تداخل طبقه با جنسیت و جغرافیا، فضای آزادی برای دسته ای از جوانان پدید آورده و مرزبندیهای رایج جنسیتی و اجتماعی را در فرهنگ آنان کم رنگ ساخته است. ارتباطات اینترنتی در محیط های چت، ضمن آنکه روابط غیر وابسته

به زمان و مکان را تقویت کرده است، به محملی برای جستجو و ارضای کنجکاوی های جوانان نیز تبدیل شده است. افزون بر این، فضای مجازی و دیجیتال اینترنت، صورت های جدید مشارکت های اظهاری و عاطفی را جایگزین صورت های متداول مشارکت سیاسی و اجتماعی در عرصه های «حقیقی» جامعه ساخته است. سرگرمی های مجازی اینترنتی، اغلب به کاهش سرمایه های اجتماعی، انزوا و بریدگی از مشارکت های محسوس و عینی، تغییر روابط از اجتماعات و گروه های آشنا به اجتماعات شبکه ای سو گیری جوانان به آموزش موزاییکی و نیز قطعه قطعه شدن افراطی سلیقه ها و خرده فرهنگ ها و در نتیجه توده و ارسازی می انجامند (ذکایی، ۱۳۸۳).

۵- مدیریت بحران

ارتباطات دقیق و ارائه اطلاعات درست در مورد خطرات احتمالی می تواند نقش مهمی در پیشگیری از بحران ها، کاهش عوارض ناشی از بحران ها و اتخاذ تصمیم مناسب در این مواقع داشته باشد. شریواستاوا (۱۹۸۷) معتقد است در میان مسایلی که در حین یک بحران باید به آنها توجه کرد، ارتباطات بیش از همه مهم است.

در جهان امروز، ارتباطات و نقش آن در مدیریت بحران اهمیتی مضاعف یافته است. برای مدیریت بحران، تشکیل تیم ارتباطی و ایجاد ساز و کارهای متناسب امری الزامی است. هرچند هیچ دو بحرانی دقیقا مثل هم نیستند اما با توجه به ویژگی های مشترک بیشتر بحران ها، می توان دستورالعملی کلی برای ارتباطات در زمان بحران صادر کرد. با شناخت زمینه های فرهنگی و نقاط حساس و بحران زا، ایجاد نظام مدیریت ارتباطات بحران، توجه به مساله زمان و اهمیت آن در شرایط بحرانی و داشتن تجربه بحران های پیشین، خیلی بهتر می توان یک بحران را مدیریت کرد. (ریبیعی و شاقاسمی، ۱۳۸۷)

آرپان و پومپر (۲۰۰۲) معتقدند در طول بحران نباید از ارتباطات رسانه ای چشم پوشی کرد. هرچند، سه عامل ریسک، زمان و کنترل موجب

پیشگیری فرآیند ارتباطات می شوند.

۶- وظایف رسانه ها در بحران های طبیعی

۶-۱- وظایف رسانه ها قبل از بحران

الف) آموزش شهروندان برای پیشگیری از بحران

آموزش پیشگیری از بحران مهمترین اصل قبل از وقوع بحران است. اگر شهروندان و مدیریت شهری خود را آماده هرگونه مواجهه با بحران کرده باشند، در زمان وقوع بحران کمترین خسارت اعم از مالی و جانی به وجود می آید. (سیلان اردستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱)

ب) آموزش مواجهه با بحران برای شهروندان

دومین اصل آموزش نحوه مواجهه با حادثه است که این نیز می تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم آموزش داده شود. (همان، ص ۱۱۳)

ج) کمک به تهیه قوانین لازم برای مقابله با بحران

برای مقابله با بحران ها و فجایع طبیعی، نیاز به قوانین برای مطرح سازی به مسئولان و همچنین شهروندان می باشد که به علت هزینه بر بودن و غیر قابل چشم گیر بودن، کمترین تمایل به تصویب آنها وجود دارد. در این مقاطع زمانی است که رسانه ها می توانند اهمیت و ضرورت داشتن این قوانین را برای مردم و شهروندان مشخص سازند و با اعطای اعتبار اجتماعی رسانه به موضوع، آن را در دستور کار شوراها، مجلس یا شهرداری ها و سازمان دیگری قرار دهد.

د) کمک به تهیه برنامه های لازم برای مدیریت بحران

این وظیفه به دو شکل قابل انجام است:

۱. کمک در تهیه و تدوین برنامه مدیریت بحران فجایع طبیعی
۲. تهیه برنامه هایی برای توجیه یا توصیف مدیریت بحران

ه) نظارت بر مراکز مدیریت بحران و آمادگی آن ها

و) نظارت بر مواضع آسیب پذیر در بحران ها

ز) پیگیری وعده های داده شده توسط مسئولان و مدیران بحران

۶-۲- وظایف رسانه ها در حین بحران:

ز) بازنمایی مصیبت های ناگوار برای پیشگیری در وقایع بعدی (فرهنگی، ۱۳۸۵)

الف) اعلام خطر و تخلیه سازی محیط

ب) اطلاع رسانی آنی و فوری درخصوص خسارات جانی و مالی

ج) اطلاع رسانی آنی و فوری در خصوص پراکندگی خسارات

د) اطلاع رسانی آنی و فوری در خصوص امکانات و نحوه استفاده از آن

در زمان وقوع بحران

ه) نظارت بر توزیع امکانات و امدادها در مناطق آسیب دیده

و) اعلام نیازهای واقعی آسیب دیدگان

ز) ترغیب و تشویق مردم برای اهدای کمک به آسیب دیدگان

ح) کمک به ساماندهی و توزیع مناسب کمک های مردمی

ت) مقابله با غارت و چپاول اموال آسیب دیدگان (فرهنگی، ۱۳۸۵)

۶-۳- وظایف رسانه ها پس از بحران:

پس از آن که فاجعه طبیعی رخ داد و امدادها و کمک های اولیه به آسیب دیدگان و مصدومان ناشی از حادثه ارائه شد، وضعیت از حالت اضطراری خارج شده ولی همچون تمام بحران های دیگر، مرحله ای دیگر در مدیریت بحران و رسانه ها شروع می شود.

فجایع طبیعی دارای ویژگی بازسازی پس از بحران است که بحران های دیگر فاقد آن هستند و لذا رسانه ها در این زمینه باید به همراه دیگر رسانه ها در بازسازی و نظارت بر آن ایفای نقش کند، اما در وجه مشترک این نوع بحران یا دیگر بحران ها باید به پیامد های آن نیز توجه داشت و در عین حال آمادگی برای بحران های بعدی را حفظ کرد که در ادامه به تشریح این موارد پرداخته می شود:

الف) ترغیب و کمک در جمع آوری کمک های مالی و غیرمالی مردم،

سازمان ها و نهادهای

ب) نظارت بر تحقیق وعده های مالی داده شده

ج) تعیین اولویت های بازسازی و سازماندهی خسارت دیدگان

د) نظارت بر صرف هزینه ها در مناطق خسارت دیده

ه) بررسی پیامدهای نامرئی، غیرمستقیم و بلند مدت بحران

و) بررسی نقاط ضعف نظام مدیریت بحران و رفع آنها

۷- اهمیت نقش رادیو در مقابله با بحران های طبیعی:

در فرآیند بحران های مربوط به فجایع طبیعی به علت از بین رفتن زیرساخت های ارتباطی و انرژی (برق) نقش رادیو در مقایسه با سایر رسانه ها بارزتر و مؤثرتر می گردد. نتیجه آن که تأکید و توجه بی مورد در خصوص قابلیت های رادیو در مدیریت تمامی بحران ها امری امری غیرمعقول و غیر منطقی می باشد. (سبیلان اردستانی، ۱۳۸۶)

۸- نیازهای روانی - اجتماعی افراد در مراحل مختلف

بحران و نقش رسانه ها

بنا به ماهیت بحران و شرایطی که بر جامعه و افراد تحمیل می کند، نیازهای روانی - اجتماعی در مراحل مختلف آن متفاوت است و به تبع آن، راهبردها و راهکارهای معطوف به حمایت های روانی و اجتماعی نیز متناسب با مراحل بحران و نوع نیازهای افراد متفاوت خواهد بود. با این حال، اصل کلی که همواره باید مورد توجه رسانه ها و دیگر عوامل درگیر در مدیریت بحران قرار گیرد این است که در تمامی اطلاعات و پیام هایی که برای افراد بحران زده ارسال می شود.

باید اثرات روانی-اجتماعی آنها را مورد توجه قرار داد. بنابراین، کل فرایند مدیریت اطلاعات در طول بحران از اعلام میزان خسارت و تلفات احتمالی و هویت قربانیان گرفته تا سازماندهی اقدامات امدادی و در نهایت بازسازی جامعه (از نظر فیزیکی و اجتماعی) بخشی از یک نظام یکپارچه حمایت روانی - اجتماعی به شمار می رود. (Chit Naren& Rattikalchalakon, Sripan ۲۰۰۶)

در ادامه نیازهای روانی - اجتماعی افراد درگیر بحران در سه مرحله حاد، گذار و تثبیت بحران با نگاهی به نقش رسانه های گروهی در تأمین این نیازها و حمایت عاطفی از افراد بحران زده بررسی شده است.

۹- مرور تاریخی تحقیق در ایران و جهان

جمهوری ایران از اینترنت بسیار زیاد بود و یکی از دلایل تبدیل شدن این تظاهرات خیابانی به بحران ملی، استفاده از اینترنت برای سازماندهی تظاهرات است.

به اشتراک گذاری آنلاین اطلاعات در طول بحران در شبکه های اجتماعی اینترنتی (فیس بوک، تویتر، فلیکر) و وبلاگ ها و تالارهای گفتگوی آنلاین، پخش فیلم های مربوط به تظاهرات در سایت یوتیوب و ایجاد ارتباطات غیررسمی (پیام های ارسال شده به فیس بوک و عکس های فلیکر) و ایفای نقش «شهروند خبرنگار» از جمله اقدامات کاربران اینترنتی ایران در حوادث پس از انتخابات بود.

مردم از این فناوری ها حداقل در ۴ زمینه استفاده کردند:

(۱) خبرنگاری خیابانی،

(۲) بسیج کردن ایرانی های مقیم خارج ،

(۳) سازماندهی فعالان سیاسی

(۴) راه اندازی جنگ اطلاعاتی. (کارافانو، ۲۰۰۹)

از این وقایع نتیجه می گیریم که باید آماده آینده باشیم و برای مدیریت بحران های اجتماعی و ارتباطی به تشکیل کارگروه نخبگان جامعه مجازی و ایجاد برنامه ای هدفمند و منسجم برای فعالیت های پژوهشی و تربیت مدیران خبر برای مدیریت بحران و تاسیس رشته های گوناگون دانشگاهی درمورد شبکه های اجتماعی بپردازیم. مشارکت بخش خصوصی و دولتی و تمرکز بر امکانات بازار آزاد برای ایجاد انعطاف پذیری در اینترنت و مقابله با چالش های بحران ساز آن، از ضروریات است.

بحران انتخابات ایران پیش درآمدی برای عمل گرایی نوین و تغییرات سیاسی فراگیر در قرن ۲۱ است.

اکنون چالش های فعالیت در جهان مجازی روشن شده است. اکنون نیمی از مردم جهان دارای موبایل هستند و احتمالاً در عرض چند دهه همه مردم جهان موبایل خواهند داشت و شبکه های اجتماعی با تمرکز بر موبایل در حال رشد هستند (کارافانو، ۲۰۰۹). از این رو توجه به مدیریت بحران های اجتماعی در فضای مجازی ضروری است.

۱۱- استفاده از داوطلبان آنلاین از کانون بحران

در تحقیق علمی مطالعه و بررسی تحقیقات و پژوهش که در ارتباط با موضوع انجام شده، لازم و ضروری است. چرا که بدون دستیابی به نتایج پژوهشی دیگران توسعه و تکامل آن هاف امکان رسیدن به پاسخ مناسب و تجزیه و تحلیل بهتر میسر نیست. اما بنده در طب بررسی ها به این نتیجه رسیده ام که هیچ گونه اثر فارسی یا لاتین که به موضوع حاضر به صورت مستقل بپردازد، نوشته شده است. اما به برخی از موضوعات که نزدیک به موضوع حاضر هستند اشاره می شود.

۱۰- استفاده از اینترنت و فضای مجازی

موارد زیادی وجود دارد که شرکتها و دولت ها برای مدیریت بحران از اینترنت به خوبی سود برده اند. شرکت نفتی شل در برخی از بحران ها از وبسایت های خود استفاده کرد و حتی به مخالفان خود اجازه داد که نظرات خود را بر روی وبسایت این شرکت قرار دهند. شرکت هواپیمایی سوئیس ایر هم در حادثه پرواز ۱۱۱ برای اطلاع رسانی، از وبسایت خود به خوبی استفاده کرد. نباید فراموش کنیم با اینکه اینترنت می تواند به کمک تیم بحران بیاید، اما این ابزار می تواند در تشدید بحران هم دخیل باشد. اینترنت در زمان بحران هم فرصت و هم چالش است. (پری و دیگران، ۲۰۰۳: ۲-۱۷)

در مقایسه با سایر رسانه ها فضای مجازی (اینترنت) دارای پنج خصوصیت است که آن را از سایر رسانه متمایز کرده است و به نوعی آنرا خاص کرده است. دیجیتالی بودن، تعاملی بودن، هاپر تکست بودن، واقعیت مجازی بودن و مرکزی بودن. (عاملی، ۱۳۸۴)

طبق گزارش اتحادیه بین المللی مخابرات در سال ۲۰۰۸ میلادی تقریباً ۳۱ درصد ایرانی ها به اینترنت دسترسی دارند. (اتحادیه بین المللی مخابرات، ۲۰۰۹)

استفاده شرکت کنندگان در تظاهرات پس از انتخابات دوره دهم ریاست

تواند نقش مهمی در پیشگیری از بحران ها، کاهش عوارض ناشی از بحران ها و اتخاذ تصمیم مناسب در این مواقع داشته باشد.

شریواستوا (۱۹۸۷) معتقد است در میان مسایلی که در حین یک بحران باید به آنها توجه کرد، ارتباطات بیش از همه مهم است.

در جهان امروز، ارتباطات و نقش آن در مدیریت بحران اهمیتی مضاعف یافته است. برای مدیریت بحران، تشکیل تیم ارتباطی و ایجاد ساز و کارهای متناسب امری الزامی است. هرچند هیچ دو بحرانی دقیقاً مثل هم نیستند اما با توجه به ویژگی های مشترک بیشتر بحران ها، می توان دستورالعملی کلی برای ارتباطات در زمان بحران صادر کرد. با شناخت زمینه های فرهنگی و نقاط حساس و بحران زا، ایجاد نظام مدیریت ارتباطات بحران، توجه به مساله زمان و اهمیت آن در شرایط بحرانی و داشتن تجربه بحران های پیشین، خیلی بهتر می توان یک بحران را مدیریت کرد. (ریبیعی و شاقاسمی، ۱۳۸۷)

آرپان و پومپر (۲۰۰۲) معتقدند در طول بحران نباید از ارتباطات رسانه ای چشم پوشی کرد. هرچند، سه عامل ریسک، زمان و کنترل موجب پیچیدگی فرآیند ارتباطات می شوند.

۱۴- رسانه و بحران اجتماعی

۱۴-۱- آشوب ها و بحران های جهانی شده

سه پدیده برشمرده با میزانی متفاوت، زمینه ساز و علت اصلی تمامی بحران های نهفته و جاری ایران امروزی می باشند. در بررسی پدیده نخست، امروزه مسایل بحرانی را با چند اتفاق مهم که درهم تنیده شده، می توان بررسی کرد. مطالعات نشان می دهد که جوامعی مانند ایران با یک استحاله _ که تحت عنوان استحاله آشوب زا از آن نام می برند _ به پیش می روند. به تعبیر جیمز روزنا پنج گرایش در سیستم اصلی این استحاله، آشوبزا هستند گرایش اول ناظر بر جابجایی از نظم صنعتی به نظم پسا صنعتی است؛ گرایش دوم، ظهور موضوعاتی - همچون آلودگی هوا، تروریسم، تجارت مواد مخدر، بحران ارزها و بیماری ایدز را مورد توجه قرار می دهد؛

از داوطلبان آنلاین می توان برای ارائه اطلاعات ارائه شده توسط سرویس های اورژانس استفاده کرد. این رویه در ژاپن «دهان بزرگ» نامیده می شود. اما آنها نه تنها برای برقراری ارتباط بلکه برای آگاهی از وضعیت می توانند از داوطلبان آنلاین استفاده کنند. کمیته صلیب سرخ به کشورهای عضو خواسته است که به مشکلات افرادی که نیاز به کمک داشتند توجه نمایند. در طی یک فاجعه و از طرف عزیزانشان که همچنین باید بدانند چه خبر است. ۱۵۰ داوطلب عمومی در مورد نحوه استفاده از رسانه های اجتماعی آموزش دیدند. اکنون آنها می توانند محتوا را بر روی a بارگذاری کنند. وب سایت و پرسنل صلیب سرخ اطلاعات را نمایش می دهند. سیستم عامل های صلیب سرخ شامل یک وبلاگ مطبوعاتی کلمه، یک صفحه فیس بوک و یک اتاق خبر برای یک فاجعه آنلاین هستند. دومی شامل مکان پناهگاه ها، تعداد وعده های غذایی ارائه شده و سایر اطلاعاتی است که رسانه ممکن است بخواهد استفاده کنید. حساب توییتر Red Cross دارای ۱۰۰۰۰ دنبال کننده است. تویییت ها موضوعاتی مانند پناهگاه، اطلاعات آمادگی، آگاهی از موقعیت زمینی و توسط داوطلبان قابل بازتویییت است.

۱۲- برنامه ریزی مدیریت استرس

در مراحل پس از بحران، رسانه های اجتماعی می توانند کمک کنند که مدیریت استرس در چه مواردی بیشتر مورد نیاز است.

مرحله بهبودی و ارائه ابزارهایی برای مدیریت استرس از طریق سیستم عامل های تعاملی انجام می شود. پژوهش انجام شده پس از طوفان کاترینا نشان می دهد که اطلاعات تعاملی به اطلاعات ایستا ارجح هستند. افرادی که تحت تأثیر قرار گرفتند برای به اشتراک گذاشتن، به جای استفاده از رسانه های سنتی ثابت، به انجمن های تعاملی رسانه های اجتماعی روی آوردند، افکار و احساسات آنها به یک انجمن آنلاین حس تعلق داشت جوری که حس شراکت با آنها شریک شد. احساسات می توانند در مرحله پس از بحران کمک کنند.

۱۳- اصل ارتباط

ارتباطات دقیق و ارائه اطلاعات درست در مورد خطرات احتمالی می

سومین گرایش بحران مرجعیت و اقتدار و گرایش چهارم، تضعیف نظام های کلی نظیر دولت ها را موضوع مطالعه خود می داند؛ گرایش پنجم هم در نظر گرفتن بازخورد پیامدهای تمامی گرایش ها بر مهارت ها و سمت گیری افراد بالغ جهان است.

۱۴-۲- دوران گذار و تغییرات گسترده و سریع فن

آوری ها ما ناظر حرکت از یک نظم صنعتی به یک نظم پسا صنعتی هستیم، در این جابجایی پویای فنآوری، به ویژه فناوری هایی که با ریز پردازنده ها (microprocessor) سر و کار داشته و به تعبیری تحت عنوان انقلاب میکروالکترونیک نیز از آن نام می برند، فواصل اجتماعی را کم کرده و در مجموع تحت تأثیر آن فاصله های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کوتاه شده اند و حرکت اندیشه ها، پول و اطلاعات سرعت پیدا کرده اند.

نه تنها در درون جوامع حوزه های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی با هم به شدت تنیده شده اند این در هم تنیدگی به سمت ابعاد گسترده تر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با یکدیگر و نیز حوزه های در هم تنیده با عرصه های مشابه جهانی که هر روز در حال شکل گیری قویتری هستند، در حال حرکت می باشند. این حرکت سریع سبب شده است تا این چنین تصور شود که زمان خیلی کوتاه شده، یعنی یک ساعت امروز دیگر یک ساعت در دهه گذشته نیست؛ در گذشته واحد زمان نسبت به حال، به نظر خیلی طولانی تر می رسید. اما در سرعت و وسعت تحولات در درون یک واحد زمان تغییر زیادی پدید آمده است.

یکی از علل چنین آشوبی، تراکم شدید و سریع اطلاعات و ورودی های فزاینده به جوامع می باشد. در جهان امروز ورودی های اطلاعاتی به طور تصاعدی بالا رفته و میزان تغییر و جابجایی متغیرها با سرعت زیاد همراه شده است. متغیرهای جدید زیادی هر روز از راه می رسند و در لایه های اجتماعی نیز در پدیده های اجتماعی به سرعت با آن روبرو می شویم. در نهایت به نظر میرسد که زمان کوتاه و دنیای ما کوچک شده است. به این اتفاقات اصطلاحاً انقلاب دوران پسا صنعتی گفته می شود، انقلابی که

زمان را کوتاه و جهان را کوچک کرده است. تغییرات گسترده و سریع در نهادهای اجتماعی ایران امروز باعث بروز جابه جایی معنادار در گروه های مرجع می شود و به زیر رفتن گروه های مرجع سنتی بخشی از آثار قابل مشاهده این پدیده در جامعه ایران است.

جامعه سیاسی شده ایران پس از انقلاب اسلامی در دهه اخیر تحت تأثیر فرآیند جهانی ارتباطات و آثار دوران «پسا صنعتی» با جریان آزاد اطلاعات و ورودی های متنوع، متفاوت و گسترده درهم آمیخته شده وضعیتی کم نظیر به وجود آورده است. این فرآیند طبیعی از تغییرخواهی، نوجویی، تنوع طلبی و بعضاً دگرخواهی را در میان نهادهای و اقشار اجتماعی مخصوص - شهری - به وجود آورده است. نکته قابل توجه و بررسی جامعه ایران وضعیت ظاهراً متناقضی است که در بخش های عمده ای از شهرها حتی شهرهای حاشیه ای و فقیر می توان آن را مشاهده کرد.

در شهرستان و حتی روستاهایی که هنوز استفاده از «چارپایان» به عنوان یک وسیله زندگی کاربرد دارد، تلویزیون هایی که از برنامه های ماهواره ای بهره می گیرند به شکل قابل توجهی مشاهده می شوند. در بین جوانان ساکن این جوامع شکل و شمایل هایی شبیه به افراد جوامع غربی و افرادی دارای اطلاعات فرهنگی نسبتاً قابل توجه شکل گرفته اند. شیوه زندگی قهرمانان ذهنی، دلبستگی های بومی و ملی، موضوعات افتخارآفرین و الگوهای رفتاری در مجموع کاملاً متفاوت با دو دهه گذشته شده اند. ترکیبی از شرایط تسریع شده بخشی از بحران های اجتماعی ایران امروز را تشکیل می دهند. این بحران های اجتماعی وقتی با رفتارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مورد نظر حاکمیت سیاسی در تناقض قرار می گیرد، به بحران سیاسی در لایه های زیرین اجتماعی منجر می شوند.

۱۴-۳- وابستگی متقابل چندگانه نوین

در مباحث علوم سیاسی و امنیتی مفهومی تحت عنوان «نظریه وابستگی متقابل» وجود دارد. مفهوم کلان «وابستگی متقابل» در عرصه اقتصادی این است که امروزه کشورها نمی توانند بگویند ما به تنهایی خودمان همه چیز را تولید می کنیم. در دنیای امروز نظریه خودکفایی در همه چیز نه عملی است نه عقلی؛ مفهوم وابستگی متقابل از عرصه اقتصادی عبور

به روز شدیدتر می شود. گسست از وابستگی های سنتی و حرکت به سمت وابستگی های نوین به مرکزگرایی و جدا شدن از سیستم های تمرکزگرای سنتی و در حالتی تعارض آمیز نوعی وابستگی های جدید و پیرامونی شدن برای مراکز نوین چه در درون مرزهای ملی و چه خارج از آن روندی کاملاً قابل مشاهده در اقشار اجتماعی امروز می باشد که این گسست ها و پیوسته ای جدید آبشخورهای نوین را پدید آورده و بخشی از بحران های اجتماعی ایران امروز را رقم می زند.

۱۴-۴- تهدید های جدید

از جمله عواملی که می توان جزء آشوب های نوین و مؤثر بر جامعه ایران برشمرد، ظهور پدیده هایی مانند ناهنجاری های اجتماعی، ناامنی های روانی، تظاهرات مخالف با فرهنگ و مظاهر مورد نظر تبلیغ شده از سوی حکومت، وجهه سیاسی یافتن رفتارهای فرهنگی مغایر، بحران هویت در سطوح و طبقات مختلف اجتماعی و پیدایی هویت جویی های نوین قومی، به علاوه تجارت مواد مخدر، بحران های مالی، پولی، ارزی، بیماری های مختلف جدید و عالم گیر و مقوله آلودگی های زیست محیطی را می توان برشمرد.

تروریسم به خصوص نوعی از تروریسم سنتی می تواند در آینده با بعضی از بحران های جامعه ایران همراه شود و بحران های نوین را پدید آورد. تروریسم یک پدیده نسبتاً دیرین در جامعه ایران محسوب می شود. از این رو شکل شناخته شده از تروریسم در این مقاله مدنظر نبوده و مسأله مورد نظر به گونه ای از تروریسم به مثابه جنبش اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد.

در دو دهه گذشته گمان بر این بود پس از فروپاشی شوروی، حرکت جنبش های اجتماعی، دیگر به روش های مسلحانه منتهی نخواهد شد، اما حرکت های مسلحانه توسط جنبش های اجتماعی منطقه خاورمیانه تا حدود زیادی این نظریه را مخدوش کرده است. هر چند اظهارنظر و واکاوی این مسأله برای آینده ایران بستگی به شرایط سیاسی و اجتماعی پیش رو خواهد داشت، با این وصف هم پوشانی مسایل قومی، مذهبی و

کرده و امروزه از وابستگی متقابل اجتماعی گرفته تا وابستگی متقابل سیاسی، وابسته شدن بلوک ها، وابسته شدن ائتلاف ها، و فراتر از آن وابستگی سازمانها و نهادهای اجتماعی در درون دولت های ملی با یکدیگر و با سازمان ها و نهادهای مشابه برون مرزی مطرح بوده و روز به روز به تعداد آن ها افزوده می شود. در عصر پسا صنعتی، وابستگی متقابل در همه ابعاد تشدید شده است. در عرصه سیاسی امروزه واقعاً این تعبیر کنایه آمیز که «چنانچه برخی قدرتمندان نظامی، سیاسی و اقتصادی در جهان توسعه یافته عطسه کنند، دنیای جهان سومی ها سینه پهلو می کند»، یک تعبیر ملموس شده است. سطح وابستگی متقابل در ۲۰ سال گذشته از سطوح ملی به سطوح فراملی گسترش یافته، یعنی امروزه از نهادهای فراملی گرفته تا نهادهای فراملی، حتی تا سطح فردی به سمت یک وابستگی متقابل جهانی شده و در حال حرکت هستند. این اتفاق جدیدی است که مربوط به دوران اخیر بوده و در گذشته با آن رو به رو نبوده ایم.

یکی از ویژگی های جهانی شدن، ارتباطات متقابل است، اما بر خلاف وابستگی های متقابل که بر دوجانبه بودن تأکید دارد، جهانی شدن امکان وابسته شدن را نیز در نظر میاورد. مک گرو (۱۹۹۷) در خصوص جهانی شدن چنین می گوید:

«افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت ها و (در نتیجه فراتر از جوامع) دامن می گسترد و نظام جدید جهانی را می سازد». جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت های بخشی از جهان می تواند نتایج مهمی برای افراد و جامعه در بخش های بسیار دور کره زمین در برداشته باشد. نکته حائز اهمیت دیگر این است که سنجش های صورت گرفته از ایرانیان، حکایت از یک مسأله اجتماعی جدید دارد. فردگرایی بیشتر از گذشته رواج یافته و هر چه به شهرهای بزرگتر توجه کنیم، این وضعیت با شدت بیشتری مشاهده می شود. به طور مثال اکثر شهروندان تهرانی به خصوص جوان ترها با ضرب المثل هایی مانند: کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من... و هرکس باید گلیم خود را از آب بیرون بکشد، موافقت زیادی نشان می دهند. با وجود این فردگرایی منفی، وابستگی متقابل زندگی اجتماعی افراد روز

برخی اتفاقات در استان های دارای جمعیت قومی نشان می دهد، تروریسم بر پایه جنبش های اجتماعی یک مسأله قابل توجه در جامعه امروز ایران است. در کنار ضعیف شدن فعالیت های مسلحانه گروه های سیاسی قدیمی در مناطقی مانند شمال غرب - هر چند ظرفیت مسلحانه تا حدود زیادی باقی مانده است - گونه های ایدئولوژیک شده کمتر سیاسی و بیشتر اجتماعی در این مناطق و برخی مناطق قومی دیگر قابل مشاهده می باشد.

گونه دیگر از تروریسم را می توان در جریان های افراطی نه در مناطق و گروه های حاشیه نشین بلکه از میان گروه ها و جریان هایی که به نوعی خود در متن و مرکزیت قرار دارند، مشاهده کرد. هر چند تاکنون این نوع تروریسم به صورت پراکنده وقوع یافته ، اما مطالعات سیاسی، اجتماعی و امنیتی از لایه های پایین جریان های افراطی حکایت از آن دارند که ظرفیت این گونه اقدامات در این لایه ها کماکان وجود دارد. در کشورهایی مثل ایران نوعی خاص از نا امنی های اجتماعی در سطوح ملی وجود دارند که گاهی به بحران منجر می شوند. این بحران های اجتماعی مواردی همچون بحران هویت، مسایل قومی، بحران ناشی از تعارض نقش ها و شکل گیری طبقات جدید اجتماعی و ناهمگون با ساخت های سنتی را شامل می شوند. نا امنی های اجتماعی دیگر مانند پیدایی انواع ناشناخته جدید از مواد مخدر به علاوه گسترش مواد مخدر سنتی و قالب های غیرمعارف از ناهنجاری های اجتماعی، بخش دیگر از این بحران ها را تشکیل می دهند.

۱۴-۵- بحران مرجعیت و اقتدار

از دو دهه پیش به این سو، رفته رفته از توانایی حاکمیت ایران، در ارائه راه حل های رضایت بخش کاسته شده است. البته این بحران، خاص جامعه ایران نیست، اما در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال گذار و نیز کمتر توسعه یافته میزان تأثیر آن متفاوت است. این بحران صرفاً در سطح دولت ها مطرح نیستند؛ امروزه در هر نهاد اجتماعی که مقداری از قدرت و الزام به اطاعت وجود دارد، بحران مرجعیت و اقتدار قابل مشاهده است. به عنوان مثال در کوچک ترین نهاد اجتماعی، نهاد

خانواده و به ویژه در میان جوانان میزان فرمانبرداری پایین تر از پنج تا ده سال گذشته شده است، این بحران به تدریج به سطح گروه های ثانویه اجتماعی، تسری می یابد. از طرفی از آنجا که طبیعت کار و شغل بیشتر تخصصی شده و نقش کارگران و مهندسين ماهر برجسته تر شده است، نهاد های سنتی اقتدار دیگر نمی توانند منابع اقتصاد سیاسی مرجعیت را مانند سابق مدیریت کنند.

بنابراین از جمله دلایل تضعیف اقتدار و گسترش سرپیچی را میتوان افزایش مهارت های فردی دانست.

دسترسی بالا به اطلاعات گسترده موجب افزایش آگاهی های شخصی و مهارت های فردی در اقشار مختلف شده است. هرچه اقشار تحصیل کرده و یا اقشاری که در معرض فراگیری مهارت های جدید قرار گرفته اند، پیش می رویم، تغییرات رفتاری و جابه جایی گروه های مرجع در میان آنها از وضوح بیشتری برخوردار است. برخی سنجش های صورت گرفته از تحولات ارزش یدر دهه هفتاد جامعه ایران، نشانگر وجود رابطه معنی دار بین افزایش سواد و مهارتها با جابه جایی و یا پیدایی ارزشهای جدید می باشد.

یکی از تفاوت های حائز اهمیت میان جامعه ایران با جوامع مشابه، مربوط به میزان حوزه اقتداری است که دولت ها برای خود قائل هستند و خود خواسته ای گسترده ارزشی، فرهنگی و ایدئولوژیک در سیاست های دولت ایران، حوزه های وسیعی از بروز بحران اقتدار را پدید آورده است. در دهه اخیر به مرور از میزان نفوذ گروه های مرجع سنتی کاسته شده و گروه های جدید با گروه های مهجور به درجات بالاتری از تأثیرگذاری دست یافته اند. جابه جایی نزولی و کاسته شدن از تأثیرگذاری گروه هایی که خاستگاه ایدئولوژیک داشته اند، محسوس و قابل رؤیت می باشد اتفاق دیگری در بحران اقتدار؛ تغییر منابع اطلاعاتی اقشار اجتماعی است. در گذشته دولت عمده ترین و پرنفوذترین تأمین کننده منابع اطلاعاتی بوده، در حالی که در دهه اخیر منابع غیردولتی مانند رسانه های نوین ارتباطی، مطبوعات و نیز رسانه های خارجی و از همه مهمتر ارتباطات شبکه ای

جدید فراملی، به عنوان یک رقیب رسانه های قدرتمند دولتی عمل کرده و به مرور، جایگزین آنها می شوند.

- درک صحیح از نوع رسانه و ظرفیت های آن برای ایفای صحیح نقش مورد انتظار.

۱۴-۶- فرآیند جهانی شدن

درک صحیح و شناخت روندهای بحران جامعه امروزی ایران را نمی توان از تحلیل آثار جهانی شدن مورد بررسی قرار داد. به نظر می رسد فرایند جهانی شدن به همراه سایر پدیده های عنوان شده و در ترکیب با آن ها، ابعاد جدیدی از بحران اجتماعی را ایجاد کرده اند. امروزه با رشد حیرت انگیز فناوری های ارتباطی دیگر اساساً مرز فیزیکی، مفهوم امنیتی سابق خود را از دست داده است. از نظر ذهنی هیچ مرز فیزیکی نمی توان قائل شد، این بحران زمانی خطرناکتر می گردد که افراد، نهادها و گروه های اجتماعی با نهادها و سازمان های فراملی با استفاده از فن آوری های نوین آمیخته شوند. آسیب های جدید اجتماعی در فضاهای مجازی نوین به وجود آمده اند و در این فرآیند دولت با بحران های عمیق روبرو شده است.

بحران ها چون دیگر پدیده های اجتماعی، رویدادهایی نیستند که به یک باره و قارچ گونه بدون پیش زمینه های دست کم پنهان اتفاق بیافتند. بنابراین بخشی از کارکرد رسانه ها در خصوص بحران به نحوه برخورد آن ها با پیش زمینه های بحران بر می گردد. رسانه ها در این کارکرد زمینه های اجتماعی، سیاسی بحران ها را شناسایی و تحلیل می کنند و سپس به ارزیابی از آینده و پیش بینی بحران دست می یابند. رسانه ها در این مرحله بر اساس رسالتی که برای خود قائل اد می توانند به اقدامات آموزشی، فرهنگی و سیاسی پیشگیرانه در خصوص بحران ها دست بزنند. در خصوص بحران های طبیعی مانند سیل، زلزله، و ... نیز وجود دانش و تجربیات عینی و عملی بشری موجب می شود موضوع پیش بینی و پیشگیری این گونه بحران ها هم مصداق پیدا کند.

پیشنهادهای

۱. پرهیز از مصاحبه های فوری
۲. نخواندن اطلاعاتیه ها برای رسانه ها و مردم، زیرا این کار، واکنش افراد را کاهش می دهد. بنابراین لازم است یک اطلاعاتیه حفظ و بیان شود.

۳. اجتناب از مصاحبه مطبوعاتی و رادیو، تلویزیونی، مگر این که سخنگوی ارشد سازمان بتواند موج سوالات را کنترل و آرامش را حفظ نماید.

۴. زمانی که یک بحران گسترده است و نمی توان سریع به همه رسانه ها پاسخ داد بهتر است از هر سه رسانه اصلی گزارشگران و خبرنگاران انتخاب شوند و پس از تهیه گزارش، مطالب را با همکاران خود هماهنگ و تقسیم نماید.

در جامعه ای مثل ایران، وقتی سازمان ها و گروه های فراملی به جریانات فراملی نزدیک می شوند، بحران تشدید می شود. این شریط در دراز مدت می تواند بحران های اجتماعی را به بحران های سیاسی غیر قابل حلی تبدیل کند.

نتیجه گیری

بحران های اجتماعی، و یا بحران های ناشی از بلایای طبیعی از جمله لحظاتی است که رسانه های جمعی نقش های خود - از جمله نقش های اطلاع رسانی و آموزشی را - جهت بیان خبر، نه تنها به خوبی ایفا می کنند، بلکه حتی باید بتواند ایفای این نقش را در لحظاتی از عمر این رسانه، تاریخی و به یادماندنی نمایند. از این جهت مدیران و کارگزاران رسانه ها برای اینکه بتوانند، وظیفه خود را در بحران ها به خوبی ایفا کنند، لازم است درک درستی از مسائل زیر داشته باشند:

- آشنایی با چستی و نوع بحران و آثار و عوارض آن؛
- ضرورت های جامعه و مخاطبان، قبل، حین و بعد از بحران؛



سید محمد ابراهیمی
کارشناس ارشد تاریخ



غلامان تورک یا امیران قهرمان تاریخ



«سنت تاریخ نویسی اگر چه به پادشاهان منسوب است اما به نظر می رسد دارای تداول و سرنوشت تاریخی وهمیشگی نیز شده است شاید به همین سبب است که خاندان پهلوی در نگارش تاریخ می کوشیدند سیر ماجرا و تاثیر گذاری هر پادشاه و سلسله را به شکلی تعبیر کنند که گویا سرانجام به عاقبت به خیری خاندان پهلوی ختم شود. اما مهم اینست که نسل جدید هیچ نقطه عطفی در آموخته های تاریخی خود نسبت به گذشته نمی یابد. در ایران اولین کتابهای درسی تاریخ زمان رضاخان به ایران باستان می پرداختند پادشاهان قاجار بی کفایت و خوشگذران بودند و این نقیصه با خاندان پهلوی جبران می شد و این محور تاریخ در آن زمان بود» (مقاله؛ مهره های سیاه و سفید در کتاب تاریخ مدارس)

متأسفانه نوشته های تاریخی و گاهی کتابهای درسی ما چنین می رسانند که مورخان ما درباره تاریخ مطالعه ندارند و اگر می داشتند باید منصفانه می نگاشتند و خواننده ها را بر تاریکی نمی کشاندند. امیدواریم روزی برسد که مورخان این دیار هم روش حق نویسان را تعقیب نموده و خود را از شر تعصب و گزافه گویی بدور سازند.

ایران نه تنها امروز بلکه در طول تاریخ کشور کثیرالمله ای بوده است و برای اثبات آن کافیست کتیبه های مورد قبول و استناد همان مورخان

تاریخ؛ چون کتیبه بیستون، کتیبه دیوار جنوبی تخت جمشید و ... را گواه گیریم که در تمامی آنها از دست کم ۳۳ قوم ساکن در این نجد نام برده شده است. پس رعایت احترام تمامی افراد، اقوام و ملل ساکن این سرزمین لازم و ضروری است. اما به طرز باور نکردنی در دوران پهلوی، با تبلیغات و جعلیات عده ای یهودی که با نام ایرانشناس و مورخ و باستان شناس در خدمت دانشگاه های اروپا و آمریکا بودند به جعل تاریخ این سرزمین و تیره و تاریک ساختن آن پرداختند و با شگردهای خاص برای مقاصد معین و مشخص، جعلیات و تحریفاتی در آن نمودند که وارد کردن اصطلاح «غلامان تورک» در معنا و مفهوم خاص آن به تاریخ، یکی از صدها مورد تحریفات اشاره شده می باشد که متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب هم تا بحال نسبت به حذف آن اقدام نشده است. در این مقاله در خصوص این اصطلاح غلط وارد شده به کتابها و متأسفانه به کتابهای درسی مطالبی را باهم مرور خواهیم کرد امیدواریم خوانندگان عزیز نسبت به روشنگری اقدام کرده و نگذارند بچه هایمان به سبب تورک بودن سرخورده و تحقیر شده و از تاریخ و هویت خود بیزار گردند.

معنا و مفهوم غلام در لغت

غلام اصلاً کلمه ای عربی است و در تمامی فرهنگهای عرب چون؛ قاموس العرب فیروز آبادی - لسان العرب ابن منظور - تاج العروس الزبیدی، قاموس لاروس و ... که از معتبرترین فرهنگها می باشند به معنی

کودک، پسر، جوان، جوان بهشتی، مرد شجاع و... می باشد.

دهخدا آمده داشته باشد.

در تفاسیر معتبر هم معانی غلام همان معانی ذکر شده در بالا است که ما برای نمونه به دو تفسیر المیزان و نمونه مراجعه و تفسیر آیه ۴۰ سوره آل عمران را از آنها می آوریم؛ در جلد سوم تفسیر المیزان علامه طباطبایی در صفحات ۲۶۵ تا ۲۹۱ به این موضوع پرداخته و برای واژه غلام مورد استفاده در آیه از معنی «فرزند پاک» بهره جسته است. در جلد دوم تفسیر نمونه هم در صفحات ۵۳۲ تا ۵۳۷ به آن پرداخته شده و ضمن بررسی در بین سطور، در آخر مبحث، به ذکر نکته های مهم تفسیر پرداخته و در نکته چهارم (ص ۵۳۷) چنین آمده؛ «غلام در لغت به معنی پسر جوان است».

کاربرد کلمه غلام در طول تاریخ

با توضیحات فوق تا حدودی مسئله روشن می شود و محققان و پژوهشگران برای درک بیشتر موضوع می توانند به قرآن مجید، تفاسیر قرآن چون؛ المیزان و نمونه و...، منابع متقن، لغتنامه ها و... مراجعه نمایند. اما در برخی کتب و لغتنامه های فارسی بخصوص آنهایی که مربوط به عصر حاضرند بجای این معانی اصلی از واژه های غیر واقعی و گاه سخیف استفاده شده است. که به بررسی برخی از آنها و علل وارد شدن چنین معانی در آنها می پردازیم.

همچنانکه در بالا آمد کلمه غلام یک کلمه عربی است و معنای خاص خود را دارد. در طول تاریخ در زبان عربی برای بردگان و چاکران و نوکران عرب تبار از عناوین «عبد»، «عبید»، «اجیر» و «اماء» و برای بردگان غیرعرب از کلمه «موالی» استفاده شده همچنانکه جاحظ در العجم والموالی و جرجی زیدان در تاریخ تمدن

در لسان العرب آمده که «کلمه غلام به معنی و مفهوم مرد جوانی می باشد که به سن ۲۳ سالگی رسیده است که مقابل آن کلمه کهل می باشد که به مرد کهنسال ۵۰ تا ۶۰ ساله می گویند و اگر مرد بیش از ۶۰ سال داشته باشد او را شیخ می نامند».

در اصطلاح علمای رجال و درایه، غلام عبارت از شاگرد و تلمذ و تربیت یافته است. صاحب روضات در ضمن شرح حال محمدبن مسعود گوید از جمله تلامذه و غلامان او در اصطلاح علمای رجال، ابوعمرو محمدبن عمر بن عبدالعزیز است. در مقیاس الهدایه آمده «غلام در اصطلاح رجال و درایه دلالت به هیچ کدام از مدح و ذم ندارد و مراد از غلام فلان، تلمذ او، متأدب بآداب اوست، چنانکه درباره بکر بن محمد بن حبیب مازنی گویند که از غلامان اسماعیل بن میثم است زیرا از وی تأدب کرده ...»

معنا و مفهوم غلام در قرآن مجید

در قرآن مجید کتاب آسمانی ما مسلمانان واژه «غلام» و جمع آن «غلمان» در ۸ سوره و ۱۳ آیه (آل عمران- آیه ۴۰، یوسف - آیه ۱۹، الحجر- آیه ۵۳، کهف - آیه ۷۴، ۸۰، ۸۲، مریم - آیه ۷، ۸، ۱۹، ۲۰، الصافات - آیه ۱۰۱، الذاریات - آیه ۲۸، الطور - آیه ۲۴) آمده و در تمامی آنها این واژه در معنا و مفهوم کودک، فرزند، پسر، نوجوان و ... بکار رفته که ما برای آگاهی بیشتر در این خصوص به سوره آل عمران می پردازیم؛ در این سوره در آیات ۳۷ و ۳۸ چنین آمده که؛ حضرت زکریا پروردگار خویش را خواند و عرض کرد خداوند از طرف خود فرزند پاکیزه ای به من عطا فرما که تو دعا را می شنوی و هنگامی که او در محراب ایستاد فرشتگان او را صدا زدند که خداوند تو را به یحیی بشارت می دهد که حکم خدا را تصدیق می کند و رهبر خواهد بود و از هوسهای سرکش برکنار و پیامبری از صالحان است و در ادامه مبحث در آیه ۴۰ چنین می خوانیم «قال رَبِّ اُنِّیْ یَکون لى غَلامٌ و قد...» «او (زکریا) عرض کرد پروردگارا چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد در حالی که پیری به سراغ من آمده است و همسر من نازاست ...» همچنانکه می بینیم کلمه غلام در این آیه جز فرزند (آنهم فرزند پسر بنام یحیی) نمی تواند معنی دیگری مانند آنچه در لغتنامه





اسلام ص ۲۳۸ بر آن اشاره کرده اند. (مقاله غلام، موالی و... ماهنامه پیک آذر، سال اول اسفند ۱۳۷۹ ص ۱۴)

در متون تاریخی ما هم اولاً تا زمان رضاخان اصطلاحی به نام غلام ترک یا غلامان ترک وجود نداشته و دوماً اگر کلمه غلام به تنهایی استفاده شده هیچ گاه در معنی بنده و نوکر نبوده و در معنی حقیقی کلمه بوده است برای مثال می توانیم از سفرنامه «سرناکارلا» نام ببریم که در آن از وجود غلامان در دربار قاجار و دستگاه حکومتی سخن به میان آمده و با توجه به سطور بعدی معنی و مفهوم آن؛ «مردان مسلح چالاک و جنگنده» می باشد که در برابر دریافت انعام و پاداش از درباریان و سفراء خارجی حفاظت میکردند.

با توجه به توضیحات بالا باید اصطلاح غلامان تورک را که بعد از رضاخان وارد کتابهای تاریخی ایران شده در معنای حقیقی کلمه مانند آنچه در فرهنگهای عربی و قرآن آمده در معنی جوانان و جنگجویان قهرمان تورک استفاده کنیم و این معنی واقعی کلمه خواهد بود و اگر منظور از غلام؛ بنده و نوکر و چاکر باشد این معنی غیر واقعی، جعلی و تحریفی خواهد بود.

لازم است گفته شود که عده ای یهودی تحت نام ایرانشناس در زمان پهلوی اصطلاح غلام ترک را در معنی بنده و نوکر و چاکر برای تحقیر تورکان این سرزمین و اختلاف افکنی بین اقوام ایرانی و نیز با نیت پلید استعماری وارد تاریخ نموده و برای سندسازی در این خصوص متون قدیمی را هم دستکاری کرده اند از جمله این موارد تغییر واژه هایی چون «اوشاق باشی» [مسئول امور کودکان] به «غلام باشی» [مسئول امور نوکران و بندگان] و جیش التورک [سپاه تورک]، حاجبه التورک [دیوانسالار تورک] و جند التورک [لشکر تورک] به «غلامان ترک» را میتوان نام برد.

دهخدا در صفحه ۱۷۸۵ لغتنامه خود توضیح غلامان ترک را چنین آغاز کرده است؛ «اهمیت غلامان ترک که در دستگاههای امرای ایرانی؟! قرن چهارم بسر می برده اند بیشتر در آنست که برای امور لشگری خریده و

تربیت می شدند» در ادامه ایشان با استناد به «سیاستنامه خواجه نظام الملک»، به زور سعی در القاء این نکته به خواننده است که ترکان غلامان دربار سامانی بوده اند. حالا از همین مبحث قسمتی را برای قضاوت خوانندگان و انسانهای باوجدان و بی طرف انتخاب و می آوریم: «غلامان ترک بهمان نحو که در بغداد از اوائل عهد تسلط خود شروع به آزار و قتل خلفا کرده بودند در ایران نیز هر گاه فرصتی یافتند خداوندگان خود را بقتل رسانیدند یا بر آنان خروج کردند چنانچه اسماعیل و مرداویج و مسعود بن محمود بدست غلامان خود کشته شدند و البتکین و فائق و بکتوزون و بسیاری از غلامان آل بویه در اواخر عهد آن سلسله نسبت پیادشاهان سامانی و بویه ای، طریق عصیان پیش گرفتند و بخلع و حبس آنان مبادرت کردند. مثلاً منصور بن نوح را امرای ترک او کور کردند و از سلطنت برداشتند و برادر او عبدالملک را بر تخت نشاندند و سلطان الدوله بن بهالدوله را غلامان ترک او هنگامی که از بغداد بیرون رفته بود از سلطنت خلع کردند و برادرش ابوعلی بن بهالدوله را بجای او بسلطنت برگزیدند».

واقعاً این جملات، برای واژه غلام در معنای نوکر و چاکر مورد نظر آقایان عجیب نیست؟ آیا در جملات بالا با غلامانی شجاع، هوشمند و کاردان و خداوندگاران بقول عربها «علوج» مواجه نمی شویم؟ آیا خداوندگاران مورد نظر آقایان، علوجانی بازیچه دست غلامان خود نبوده اند؟ عجب غلامی و عجب خداوندگاران. آنوقت از بچه ها چه انتظار داریم؟ انتظار داریم چنین تحریفات خنده داری را بعنوان علم تاریخ قبول کرده و توشه زندگی خود قرار دهند؟ و...

اما پیشنهاد ما این است که خوانندگان منصف ما یکبار غلام را در معنی بنده و نوکر حساب کرده و یکبار هم در معنی واقعی آن یعنی؛ جوان شجاع و مرد رشید و جنگجو و متن بالا را بخوانند و قضاوت کنند. آنوقت مشخص می شود که بر سر تاریخ این مملکت چه آورده اند و چه ذهنیات منفی و خیالبافیهای احمقانه را در کتابهای درسی به خورد بچه های معصوم این سرزمین می دهند. البته این چنین مورخان که بیشتر به بلبلان باغ استعمارگران می مانند تا مورخان واقعی، در برابر بسیاری از کلمات تاریخی دیگر چون موالی، خصی و... سکوت کرده و از آوردنش در کتابها اجتناب می کنند.

در اینجا جا دارد از شاعران آن زمان هم استفاده کنیم و ببینیم آنها در خصوص غلامان تاریخ چه نظری داشته اند. یکی از این شاعران در قصیده ای برای راهیابی به دربار قیزیل ارسلان در مدح همین به اصطلاح غلام اما در واقع امیر نامدار تاریخ چنین آورده:

”ای کمینگاه فلک ابروی تو

آبروی آفتاب از روی تو

جای جانها گوشه شبوش تو

دام دلها حلقه گیسوی تو...

بر سر کوی غمت بر تا ”اثیر“

های هوایی می زند بر بوی تو

کم نگردد رونق حسن تو هیچ

گر بیفزاید سگی در کوی تو“

یا شاعری دیگر بنام انوری ایبوردی در مدح سلطان سنجر سلجوقی که یکی دیگر از امیران نامدار تاریخ این سرزمین است، چنین می سراید:

”خسروا بنده را دوسه سال است

که همی آرزوی آن باشد

کز ندیمان حضرت ار نشود

از مقیمان آستان باشد

بخرش پیش از آنکه بشناسی

کانگی رایگان گران باشد

چه شود گر ترا درین یک بیع

دست بوسیدنی گران باشد...“

راحه الصدور، ص ۱۹۸

در شاهنامه هم در مورد یکی از همین به اصطلاح غلامان یعنی سلطان محمد غزنوی چنین آمده:

یکی گفت کین شاه روم است و هند

ز قنوج تا پیش دریای سند

به ایران به توران ورا بنده اند

به رای و به تدبیر او زنده اند!!

جهاندار محمود شاه بزرگ

به آبشخور آرد همی میش و گرگ

چو کودک لب از شیر مادر بشست

ز گهواره محمود گوید نخست!!

(شاهنامه، جلد ۱ ص ۱۸ و ۱۹)

معادل کلمه غلام در تورکی و نظر برخی محققان تورک پژوه درباره واژه غلامان ترک: در اینجا لازم است بیان نماییم که در ترکی برای معادل کلمه غلام از «قول» استفاده شده و می شود؛ مثلاً در ص ۶۵۲ کتاب «دیل دنیز؛ لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی- فارسی»، «قول» در معنی



بنده، برده، غلام آورده شده است. دکتر صدیق هم در صفحه ۶۸ کتاب «یادمانهای ترکی باستان» اینطور می نویسد: «قول qul، برده و بنده. در ترکی آذری معاصر: قول. دخیل در فارسی: غلام. این کلمه از دو جزء qul و am (قول + آم) ساخته شده است و در معنای «بنده من» است. از سوی ترکان ایرانی به آنهایی که در خدمت حکومت های ترک بودند، اطلاق می شده است. بعدها مورخان فارس این گروه را «غلامان ترک» نامیدند که معنایی وارونه هم پیدا کرد».

دکتر جواد هیئت در خصوص سبکتکین چنین می نویسد «امیرزاده ای بود از ایل قارلوق که بدست طایفه دیگر ترک به نام توخسی در ۱۲ سالگی اسیر شده و مدت ۴ سال در اسارت می ماند سپس به خاطر هوش و ذکاوت فوق العاده اش در اختیار آلپتکین ترک از امرای سامانی قرار می گیرد و آلپتکین وی را داماد خود میکند که حاصل ازدواج، سلطان محمود غزنوی سرسلسله غزنویان می شود». (تورکلرین فرهنگ وتاریخینه بیر باخیش؛ دکتر هیئت ص ۱۰۶) این همین امیری است که و برخی مورخان از او بعنوان غلام دربار سامانی یاد میکنند. اینکه کجای زندگی این امیر نامدار تاریخ، غلام (در معنی نوکر و بنده) بودن او را می رساند، خود هم از جواب دادن آن عاجزند.

نتیجه گیری

بنابر آنچه آمد با صراحت می گوئیم اصطلاح غلامان ترک در معنی

نوکر و بنده صرفاً بخاطر برخی اهداف سیاسی و جهت تحقیر تورکان این مرز و بوم و جهت تفرقه افکنی بین اقوام از زمان رضاخان وارد متون تاریخی شده است و در این خصوص چند سوال اساسی را باید مطرح نماییم و پاسخگویی به آنها را به عهده خود خوانندگان بگذاریم.

۱. با وجود کلمات مترادف چون؛ بنده، عبد، نوکر، چاکر، خدمتکار و... چرا کلمه غلام بجای معنی حقیقی خود بعد از رضاخان در معنی غیر واقعی خود استفاده شده است؟

۲. از آنجا که کلمه غلام در زبان فارسی و دیگر السنه هند و ایرانی ریشه ندارد و مسلماً و قطعاً برگرفته از عربی است پس برخی فرهنگنامه نویسان از کجا و با چه دلیلی معانی غیر واقعی و سخیف و زشت برای آن بیان کرده اند؟

۳. برخی از به اصطلاح تاریخ نویسان بر اساس چه سندی اصطلاحات جیش الترمک (سپاه تورک)، جند الترمک (لشکر تورک)، حاجبه الترمک (دیوانسالار تورک) و ... را تحریف کرده و بجای آن از غلامان ترک استفاده کرده اند. آیا این خیانت در ترجمه و جنایت در گزارش تاریخ نیست؟

۴. آیا چنین کارهای تحریفی، اعتماد محققان به سایر کتابهای ترجمه شده را نیز از بین نمی برد و تحریفی و غیر قابل اعتماد بودن تمام آنها را آشکار نمی سازد؟ و

البته امروزه هیچ عقل سلیمی نمی تواند باور کند که غلام در معنی برده ای زرخیده و نوکر، در تاریخ بتواند شگفتی ساز باشد از جمله اینکه؛ اولین امپراتوریهای سرافراز تاریخ را تشکیل دهد، خلیفه بغداد را عزل نماید،

دودمان سامانیان را سیاه کرده و درهم پیچد،

تنها سه سلسله آن ۵۰۰ سال بر این سرزمین حکومت کند

بیزانس را درهم کوبد،

هند را فتح کند،

در جنگهای صلیبی قهرمانیها بیافریند،

اصفهان را نصف جهان کند،

- دیوان اثیر اخسیکتی، نسخه موزه بریتانیا « [YsA776.ff.268.or](http://www.britishmuseum.org/objects/175476) »
به نقل از مقاله فردوسی تطهیر میشود؛ بقلم راشدی
- شاهنامه فردوسی، تحت نظر «ی.ا. برتلس»، جلد یک ص ۱۸ و ۱۹
- لغتنامه های فارسی از جمله دهخدا زیر عنوان غلام ص ۱۴۷۸۱ تا
۱۴۷۸۶ و معین ص ۲۴۲۳
- ماهنامه پیک آذر، سال اول اسفند ۱۳۷۹ صص ۱۵ - ۱۱ (مقاله: غلام،
موالی و و خصیان در ادبیات عرب)
- روزنامه ایران، سال دهم شماره ۲۹۸۶ ص ۷ (مقاله: مهره های سیاه
و سفید در کتاب تاریخ مدارس)
- یادمانهای ترکی باستان؛ پروفیسور صدیق، ستاد نشر آثار دکتر صدیق،
تهران ۱۳۸۳
- دیل دنیز؛ لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی- فارسی؛ اسماعیل هادی
، تبریز، اختر ۱۳۸۶
- تورکلرین فرهنگ وتاریخینه بیر باخیش؛ دکتر جواد هیئت، تهران
۱۳۶۵

بنابراین ما در تاریخ به جای اصطلاح غلام تورک، اصطلاحات جیش
الترک (سپاه تورک)، جند التترک (لشکر تورک)، حاجبه التترک (دیوانسالار
تورک) و... را داریم و اگر جایی مورخی اصطلاح غلام یا غلامان تورک
را آورده است با استناد به معنی غلام در لغتنامه های معتبر عربی و قرآن
مجید، منظورش مرد شجاع تورک، جنگجویان تورک، دلاوران تورک و...
بوده است و هر جا در کتابهای تاریخی و درسی ما این اصطلاح استفاده
شود باید توضیح آن در داخل پارانتر ویا در پاورقی آورده شود.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- تفسیر المیزان
- تفسیر نمونه
- راحه الصدور، محمد راوندی ص ۱۹۸ (چاپ دوم سال ۱۳۶۳)





حسین عبداللهی

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی



علت عقب ماندگی ایران و

مسلمانان در دیدگاه دکتر شریعتی



شرقی یا غربی ندارد و نمی تواند داشته باشد چرا که در تفکر اسلامی انسان یک شبه خداست، اختیار انسان در مکتب اسلامی تا آن حد است که حتی می تواند در برابر خالق خویش عصیان کند. به باور او علل و انحطاط مسلمین در تعریف و مسخ آموزه های اصیل اسلامی بوده و می باشد. اسلام دینی مبتنی بر دنیاگرایی، اجتهاد، عقل گرایی و متد علمی استقرایی و تجربی و عینی و دیگر عناصر و آموزه های ترقی آفرین دیگر بوده است.

در دورانی که اسلام ایدئولوژی جای خود را به اسلام فرهنگ داده بود دیگر بجای پرورش مجاهدان و مبارزانی چون ابوذر، مجتهدانی و دانشمندان و فلاسفه ای چون بوعلی سینا و غزالی می پرود و کیست که نداند تمدن اسلام با داشتن هزاران نفر از این فلاسفه و دانشمندان نتوانست از مسیر انحطاط و زوال خارج شود حال آنکه در همام دوران اگر یک ابوذر ظهور می کرد مسلما نمی توانست انقلابی برپا کند و حیلتي دوباره به گالبد مرده و بی حرکت تمدن اسلامی بدمد. بنابراین مشکل اصلی ایران و جهان اسلام کنونی از اسلام ایدئولوژی گسسته است. درمان این درد نشدنی است الا به جبران این گسست و بازگشت به اسلام ایدئولوژی از طریق نقد اسلام فرهنگ.

از نظر شریعتی تنها راه نجات مسلمین و بلکه نجات همه بشریت نجات اسلام از راه احیای اسلام ایدئولوژی و جدا کردن آن از اسلام فرهنگ است. این کار جز از طریق پروتستانتیسم اسلام ممکن نخواهد بود این طرحی است که تنها به دست روشنفکران حقیقی مسلمان و مجتهدان و علمای راستین، نه ملاها و روحانیون سنتی متحقق خواهد شد.

شریعتی مثل همه تجددگرایان مسلمان در برابر هجوم ناسیونالیستهای افراطی، مارکسیستها و متجددان غرب زده به دفاع از اسلام برخاست و تلاش کرد تا ثابت کند که انحطاط ایران و جهان اسلام نه محصول معلول ایمان و عمل اسلامی بلکه دقیقا برعکس آن یعنی معلول عدم آگاهی و عمل به حقیقت اسلام بوده و هست. او طبق بینش قرآنی به نقد اسطوره استعمار که در آن زمان رواج بود پرداخت و آن را رد کرد، منظور از اسطوره استعمار تفکر موهوم بیمارگونه ای است که با قائل شدن قدرت اسطوره ای و خارق العاده برای استعمار به عنوان اصلی ترین علت تاثیر گذار در سرنوشت جوامع استعمار زده پنداشته می شد و بر علل و عوامل اصلی تر و بنیادی تر درونی و مسولیت و اختیار و توانایی مردم جوامع تحت سلطه چشم بسته بودند.

چند عامل انحطاط فرهنگ و مدنیت اسلامی از نظر شریعتی:

۱- تبدیل اسلام ایدئولوژیک به اسلام فرهنگ، ۲- مرگ روح اجتهادی، ۳- متد غلط اندیشه علمی، ۴- آخرت گرایی، ۵- شیوع تفکر جبری. علاوه بر این به مواردی از قبیل گذار به تاثیر علل و عوامل مادی و عوامل برونی از قبیل تهاجم اقوام وحشی و چیرگی نظام قبیلگی بر مدنی و توقف رشد و توسعه شهرنشینی دارد که بر انحطاط فرهنگ و مدنیت اسلامی تاثیر داشته است. نقش استعمار و عوامل بیگانه را از بیشترین تاثیر و یک مانع عمده و اصلی انحطاط و عقب ماندگی می داند.

به باور شریعتی اصالتی که انسان در اسلام دارد در هیچ مکتبی چه



فاطمه قنبرزاده

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

بنیادگرایی پاکستان

۴- گسیختگی سیستم فرهنگی،

۵- نقش اسلام در تحولات سیاسی پاکستان.

سطح منطقه ای:

۱- بحران افغانستان،

۲- بحران کشمیر،

۳- حمایت های مالی عربستان از گروه های بنیادگرایی اسلامی در پاکستان.

سطح بین المللی: نقش غرب به رهبری آمریکا.

آینده ی بنیادگرایی رادیکالیسم در پاکستان مبهم است با این وجود احتمال می رود که ناکامی دولت های حزبی در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی همراه با افزایش دخالت های غرب بویژه آمریکا در پاکستان این فرصت را در اختیار گروه های افراطی مذهب قرار دهد تا بتواند در آینده قدرت را در اختیار بگیرد، وضعیتی که می تواند به دو دلیل برای ثبات و امنیت منطقه ای بحران آفرین باشد، چرا که از یک طرف احتمال بروز درگیری های فرقه ای در پاکستان وجود دارد و از طرف دیگر این گروه ها در خصوص بحران کشمیر مخالف راهکار دیپلماسی هستند و بیشتر به راهکار نظامی می اندیشند. سیاستی که جنوب شرق آسیا را به دلیل توان هسته ای هند و پاکستان درگیر یک جنگ هسته ای خواهد کرد.

اسلام گرایی واژه ای است مدرن که برای پدیده ای اساسا مدرن به کار می رود و عبارت از جنبش های سیاسی مبتنی بر اصول اسلامی که معمولا از سوی غیرروحانیون رهبری می شوند، افرادی که در حقیقت اغلب با روحانیون سنتی و نگرش آنان نسبت به وضع موجود مخالف اند به ساز و کارهای مدرن تبلیغات و بسیج توده ها علاقمند اند و با داشتن یک دستور کار سیاسی که غالبا فراتر از اهداف مذهبی صرف است به دنبال اصلاح کشور و جامعه هستند.

اسلام گرایی طیفی است که از کنار هم قرار گرفتن اندیشه های متفاوتی که به نام اسلام شناخته می شوند خواه خود برآمده از اسلام باشند و خواه خود را به نام مسلمان معرفی کنند ایجاد شده است. تغییر تلقی ها در مورد اندیشه های رادیکال بنیادگرایان پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به منزله جزیی از طیف وسیع اسلام گرایان سایه افکنده است که به خطا با اسلام گرایی به صورت مترادف به کار می رود.

عوامل موثر در تکوین رشد بنیادگرایی اسلامی در پاکستان در چارچوب تئوری عمومی سیستم ها در سه سطح داخلی، منطقه ای و بین المللی

در سطح داخلی:

۱- بحران سیاسی، ریشه های اصلی بحران سیاسی بحران مشروعیت است.

۲- بحران اقتصادی،

۳- بحران اجتماعی،



فاطمه طیوری

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی



چالش سلطه و قدرت گیری طالبان

برای جمهوری اسلامی ایران



مورد ایران را تهدید میکند. یک اینکه با وجود شیوع ویروس کرونا در استان های شرقی، افراد مبتلا به کرونا افزایش می یابد و مرگ و میر زیادتر میشود چرا که پناهجویان واکسن نزده و اقدامات برای قرنطینه آنها وجود ندارد. دومین تهدید به تهدیدات امنیتی بر میگردد چون مرزهای شرقی با سیل عظیم پناهجویان افغانی مواجه شده، چه تضمینی وجود دارد که در میان این آوارگان تروریستی وارد خاک ایران نشود.

و آخرین تهدید، سیاست فشار حداکثری در دوره ترامپ علیه ایران است که در حال حاضر در دوره بایدن هم ادامه دارد. با به وجود آمدن جبهه مشترک آمریکا، اسرائیل و عربستان همراه با کشورهای متحد عرب خود، همکاری های مشترک امنیتی و سیاسی را آغاز کردند و هر اقدامی را که در توان داشتند علیه ایران انجام دادند که نابودی برجام تنها یکی از اقدامات مهمشان بود. جبهه مشترک عربی می تواند از طالبان به عنوان ابزاری علیه ایران استفاده کند که مورد پسند آمریکا خواهد بود. سیاست فشار حداکثری موجب تقویت گرایش ایران به شرق و گسترش روابط میان چین و روسیه می شود و بر همین اساس آمریکا در پی آن است میان ایران، چین و روسیه یک چالش امنیتی ایجاد کند. در واقع هدف آمریکا ایجاد ناامنی و بی ثباتی در میان مرز ایران و افغانستان است. حال که آمریکا نیرو های خود را از افغانستان خالی کرده و دیگر حضور ندارد یک آینده ای مبهم برای افغانستان و منطقه به وجود می آورد. دلایل و تحلیلات زیادی درباره خروج آمریکا وجود دارد.

با توجه به سلطه طالبان بر افغانستان، یکی از تهدیدات مهم ایجاد الگوی رادیکال اسلامی توسط طالبان است. چرا که هیچ سختیتی با نمونه ایرانی ندارد و بر همین اساس میتواند تهدیدی برای آرمان های اسلامی و تضعیف جایگاه اسلام در سطح جهانی شود. این تهدید به هیچ وجه با سیاست های ایران و منافع این کشور همسویی ندارد. با این وجود، مشکلاتی را بر سر راه تنش زدایی ایران و برهم زدن روابط ایران با کشورهای همسایه همچون پاکستان و عربستان ایجاد میکند. طالبان از فرقه ی حنفیه بوده و مذهب سنی حنفی دارند ولی با توجه به ارتباط و زد و بندهایی که با عربستان دارد بخشی از مکتب وهابیت عربستان هم در مذهب طالبان دیده میشود و بر این اساس موجب تقویت تحرکات فرقه گرای و تجزیه طلبانه در ایران میشود.

دومین تهدید جدی که میتوان اشاره نمود طوفان مهاجرت پناهندگان افغانی به ایران است. مهاجران به تنهایی مهاجرت نمیکند، آنها حامل فرهنگ، عادات، آداب و رسوم و فرهنگ هستند. متأسفانه گاهی مهاجران افغان مروج تولید، پخش و مصرف مواد مخدر هستند. با تشدید حملات آمریکا، پناهندگان زیادی به سمت مرزهای ایران روی می آورند و همین باعث میشود بر شمار پناهندگان افزوده شود. چرا که ایران به دلیل سیاست حداکثری که در دوره بایدن هم ادامه دارد، همچنان با مشکلات اقتصادی رو به روست. با افزایش پناهندگان افغانی مشکلات اقتصادی ایران تشدید می یابد.

در واقع با آمدن پناهجویان افغانی به مرز های شرقی ایران، دو



زهرا اصغریور

کاندیدای دکترای روانشناسی و آموزش
کودکان استثنائی
روانشناس کودک و نوجوان



طلاق و پیامدهای آسیب زای آن بر کودکان



طلاق

خانواده یکی از مهم ترین و بنیادی ترین نهادهای اجتماعی محسوب می شود که همواره در طول تاریخ از تمامی تغییر و تحولات نهادهای مختلف جامعه تاثیر پذیرفته و در آنها تاثیر گذاشته است. طلاق یکی از اساسی ترین و مهمترین شاخص آشفته گی زوجین و تبلور آسیب عمیق خانواده محسوب می شود که به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی میتواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدها و تاثیرات مخرب بر روی بهزیستی اعضای خانواده و جامعه داشته باشد.

خانواده برای رشد بهنجار فرزندان نقش مهم و اساسی دارد و تغییرات ساختار خانواده پس از طلاق، گاه عواقب سنگینی را برای اعضای خانواده با خود به همراه دارد. طلاق و جدایی والدین به عنوان عامل فشارزا و تنش زای دوران رشدی کودک محسوب می شود. متأسفانه آمار طلاق در کشورمان هر ساله رو به افزایش است و روند صعودی دارد. بنا بر آمارهای منتشر شده ی سازمان ثبت احوال کشور، افزایش آمار طلاق در حالی است که میزان ازدواج در هر سال نسبت به سال گذشته روند کاهشی داشته است که این پدیده به یک معضل مهم اجتماعی تبدیل شده است.

رشد کمی و کیفی این پدیده در جامعه ی ایرانی به یکی از مسائل اجتماعی جدی تبدیل شده است به طوریکه امروزه دیگر واژه طلاق

قبح گذشته را ندارد و افراد آن را به عنوان یک انتخاب فردی در نظر میگیرند. آمارها نشان از افزایش هر ساله طلاق می دهند و این وضعیت نشانگر تغییرات عمده در ساختار خانواده است. ضمن اینکه آمارهای موجود صرفاً طلاق رسمی را نشان میدهند ولی در مورد طلاق عاطفی در میان زوجین تاکنون آمار رسمی معتبری اعلام نشده است.

نخستین آسیب طلاق به صورت مستقیم بر روی فرزندان است و در واقع ضعیفترین و اصلی ترین قربانیان بحران طلاق، فرزندان خانواده هستند. تغییر در ساختار خانواده با ایجاد فشار و استرس برای تمامی اعضای خانواده بویژه کودکان همراه است و اغلب موجب افزایش مشکلات رفتاری، روانشناختی و اجتماعی بویژه در کودکان میگردد.

سه عامل پس از طلاق والدین در میزان اثرگذاری این بحران در کودک حائز اهمیت است. اول اینکه بعد از طلاق زن و شوهر (والدین) چطور با طلاق کنار میآیند و سازگار می شوند. دوم اینکه زن و شوهر (والدین) چطور با یکدیگر کنار می آیند و سوم اینکه پس از طلاق والدین چطور با فرزندان شان رفتار خواهند کرد. مثلاً در برخی خانواده ها کودک اجازه دیدن مادر یا پدر خود را ندارد یا اینکه توسط والدی که حضانت کودک را گرفته و اطرافیان، مدام بدگویی والد دیگر را می کنند.

این عوامل ایجاد تنش و فشارهای روانی بیشتری بر کودک خواهد

کرد. در حالیکه به کودک باید اطمینان داده شود که پس از طلاق والدین همچنان در کنار کودک خواهند بود و فقط شکل و ساختار خانواده تغییر کرده ولی کودک همیشه می تواند از وجود پدر و مادر بهره برد و حمایت آنها را برای همیشه داشته باشد.

حمایت اجتماعی بعد از طلاق بسیار قابل اهمیت است. کودکی که پس از طلاق والدین از حمایت عاطفی هر دو والد، حمایت مالی والدین، حمایت اطرافیان (اقوام، آشنایان و دوستان) و همچنین حمایت معلم بهره‌مند میشود آسیب های فردی، روانشناختی و اجتماعی کمتری را خواهد داشت.

درک کودکان از طلاق والدین در هر رده سنی متفاوت است. مثلاً درک کودک زیر سن دبستان با کودک دبستانی فرق می کند. لذا شدت و میزان آسیب هایی که در هر رده سنی به کودک وارد می شود نیز متفاوت خواهد بود. ضمن اینکه آثار طلاق بر کودکان در یک تا دو سال اول بسیار چشمگیرتر است و درگیری ذهنی بیشتری را تجربه خواهد کرد تا پس از اینکه کودک با این اتفاق به سازگاری برسد و سطح اضطراب و خشمی که در او ایجاد شده کاهش پیدا کند.

پیامدهای طلاق بر روی کودکان

آثار و عوارضی که طلاق برای کودکان به همراه دارد، از آن جهت حائز اهمیت است که میتواند زمینه‌ساز بسیاری از اختلالات روانشناختی و رفتاری در کودکان باشد و زندگی فردی و اجتماعی آنان را در آینده به مخاطره بیندازد. از طرفی اثرات طلاق و جدایی والدین بر فرزندان خانواده، از کودکی به کودک دیگر متفاوت است. برخی از کودکان به دلیل ویژگیهای شخصیتی، با جدایی والدین راحتتر کنار می آیند و مشکلات کمتری را خواهند داشت اما برخی کودکان پذیرش جدایی والدین برایشان بسیار سخت و سنگین است لذا مشکلات رفتاری عاطفی بیشتری را بروز می دهند.

به طور کلی کودکانی که درگیر طلاق والدین میگردند، نارسایی هیجانی و اختلالات روانشناختی در آنها نسبت به گروههای دیگر کودکان، افزایش

میابد. بدلیل اینکه طلاق والدین تغییراتی اساسی را در ساختار خانواده موجب میشود و سازگاری کودک را تحت تاثیر قرار میدهد.

با نگاهی به مطالعات انجام شده در حوزه طلاق، شاهد این هستیم که کودکان طلاق نسبت به همسالان خود از لحاظ اجتماعی، عاطفی، هیجانی و تحصیلی در سطح پایینتری هستند و در معرض خطر اختلالات روانشناختی بیشتری قرار دارند. کودکان طلاق به طور متوسط نسبت به دیگر کودکان از لحاظ پیشرفت تحصیلی، اعتماد به نفس، عزت نفس، مهارتهای اجتماعی از مشکلات بسیار رایجتری برخوردار هستند. طلاق والدین فرزندان را در تمام ابعاد روان شناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی تحت تاثیر قرار میدهد و باعث ضعف در عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق میگردد. علاوه بر این نتایج برخی از پژوهشها حاکی از این است که آثار مخرب طلاق و عدم مداخلات زودهنگام در مشکلات رفتاری و روانشناختی کودکان طلاق در بزرگسالی ادامه دار خواهد بود و حتی دارای مشکلاتی با شریک زندگی خود خواهند بود که این مشکلات بازتاب جدایی والدین در دوران کودکی است.

پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت طلاق بر کودکان

طلاق صرفاً یک رویداد نیست بلکه فرآیندی است که تاثیرات کوتاه مدت و بلند مدتی را در فرزندان خانواده ایجاد میکند.

از پیامدهای کوتاه مدت طلاق بر کودکان می توان به رفتارهای اضطرابی، استرس، مشکلات رفتاری مانند پرخاشگری، تحریک پذیری، تکانشگری، شب ادراری، ناخن جویدن، غم و ناراحتی شدید، گوشه گیری و منزوی شدن، اعتماد به نفس و عزت نفس پایین در کودکان اشاره کرد.

از پیامدهای بلند مدت طلاق بر کودکان می توان به مشکلات رفتاری پیچیده تر مانند مشکلات ارتباطی بین فردی، دعوا و نزاع با همسالان، افت تحصیلی، فرار از مدرسه، ترک تحصیل، افسردگی، سوء مصرف مواد، رفتارهای ضد اجتماعی، بزهکاری و پیامدهای آن در زندگی بزرگسالی با خطر بالای ابتلا به اختلالات روانشناختی و ازدواج ناموفق و تکرار الگوهای یادگرفته شده از زندگی والدین اشاره کرد.

اینگونه حتی آسیب کمتری نسبت به ادامه زندگی، برای اعضاء خانواده و مخصوصا کودکان خواهد داشت.

از این رو با توجه به نرخ صودی آمار طلاق در کشور و اهمیت ارتقاء سلامت روانشناختی و کاهش مشکلات اجتماعی پدیده طلاق و اثرگذاری آن بر تمامی جنبه های زندگی فرد و تاثیر آن بر زندگی کودکان، باید توجه بیشتری به امر طلاق و آسیب های پس از آن داشت و اقدامات لازم جهت پیشگیری از طلاق و همچنین پیشگیری زود هنگام از آثار و پیامدهای مخرب آن بر کودکان که به عنوان منابع ارزشمند پیشرفت و سلامت هر جامعه ای هستند، انجام گیرد. و البته که این امر نیازمند بررسی و پژوهش های بیشتر و اساسی تر جهت شناسایی عوامل طلاق و ارائه راهکارهای مناسب در جهت حذف عوامل سبب ساز جدایی زوجین برای کاهش نرخ طلاق در جامعه است. همچنین باید نقش کارآمد مشاوره و مداخلات روان درمانی در تسهیل پذیرش، سازگاری و کاهش آسیب های رفتاری، روانشناختی و اجتماعی در این موقعیت بحرانی هم برای زوجین و هم برای کودکان مورد توجه قرار گیرد.

و در آخر، هر چقدر پیش از ازدواج در زمینه ای آگاهی دادن به جوانان سرمایه گذاری شود و آموزش مهارت های زندگی در جوانان مورد توجه قرار گیرد، سلامت، بقا و پایداری خانواده ها افزایش خواهد یافت. در نتیجه با وجود خانواده های باثبات، جامعه ای پویا، رو به رشد و سالم خواهیم داشت.

تاثیر طلاق بر آسیب های اجتماعی

جامعه شناسان و آسیب شناسان اجتماعی بر خانواده و اهمیت آن برای جامعه تاکید فراوانی کرده اند. چرا که طلاق از نظر قانونی فقط یک حادثه است اما از نظر جامعه شناسان و روانشناسان زنجیره ای به هم پیوسته های هست که برای همیشه قربانیان خود را متاثر می سازد.

به یقین می توان گفت که هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تاثیر از خانواده پدید نمی آید. اگر کودکان طلاق مورد توجه لازم و کافی قرار نگیرند و مشکلات رفتاری و هیجانی آنها مورد مداخله زودهنگام قرار نگیرد، درگیر آسیبهای اجتماعی نیز خواهند شد که مشکلات جامعه را افزایش خواهد داد. از جمله آسیب های اجتماعی که کودکان طلاق به آن گرفتار می شوند می توان به گرایش به اعتیاد، سیگار، مشروبات الکلی، بزهکاری، قانون شکنی و رفتارهای ضداجتماعی اشاره کرد که فرزندان خانواده های طلاق را مورد هدف قرار میدهد. مطالعات در این حوزه نشان داده اند که نسبت بزهکاری و رفتارهای ضداجتماعی در خانواده های متلاشی شده خیلی بیشتر از خانواده های سالم و کارآمد است.

طلاق بحرانی بسیار دشوار است که خانواده با آن درگیر می شود و کودکان بیش از هر کس دیگری در چنین موقعیتی به حمایت و پشتیبانی نیاز دارند. به همین دلیل والدینی که طلاق را به عنوان راه حل مشکلات خود پذیرفته اند باید توجه بسیار زیادی را به فرزندان خود داشته باشند تا از آسیب های روانشناختی و اجتماعی آنان پیشگیری شود. با این وجود گاهی طلاق و جدایی مناسب ترین راه حل مشکلات زوجین است که





اندیشه راشداالغنوشی



محمد شفیعی

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

راشد الغنوشی تصورش از حرکت‌های اسلامی چنین می‌گوید: مقصود ما از حرکت اسلامی مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که با انگیزه اسلامی و برای پیاده کردن اهداف اسلام و ایجاد نوآوری در اسلام، کنترل و احاطه بر واقعیت‌ها و توجیه و اراده درست آنها به وجود آمده است چون اسلام یک دین منعطف بوده و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها مناسب است. حرکت اسلامی برنامه‌ای وسیع‌تر از یک حزب سیاسی دارد. از مجموعه دیدگاه‌های غنوشی چنین برمی‌آید که هر گروه فعال مسلمان با انگیزه‌های اسلامی یک جریان نام دارد و مجموع جریان‌های اسلامی در کل دنیا که ممکن است هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند و حتی همدیگر را نشناسند، حرکت اسلامی نامیده می‌شوند.

موانع حرکت اسلامی از نظر غنوشی: به دو دسته خارجی و داخلی تقسیم می‌شود؛ توطئه‌های استعماری، استبداد و رژیم‌های سکولار در جهان اسلام از عوامل خارجی برشمرده و عوامل داخلی شامل:

۱- بقا و استمرار جمود فکری،

۲- ملی‌گرایی که باید آن را به نفع اسلام تبدیل کنیم،

۳- مخالفت بعضی از جریان‌های اسلامی با دموکراسی و ضد اسلام معرفی کردن آن،

۴- مخالفت بعضی از جریان‌های اسلامی با تعدد احزاب،

۵- مخالفت بعضی از جریان‌های اسلامی با نقش و حقوق زن در اجتماع،

۶- دست کم گرفتن و عدم اهتمام به هنر (شعر، داستان، درام، موسیقی یا نقاشی) به این اتهام که هنرها رنگ غربی به خود گرفته‌اند.

موانع داخلی حرکت اسلامی به ویژه در زمینه اندیشه، کم نیست چنان‌که می‌بینیم تقلید، جمود، تشدید، عدم تحمل دیگران، تکفیر مخالف و حلال دانستن خون او و مسائلی از این قبیل وجود دارند که همه و همه نتیجه عدم تفکیک میان زمینه‌های تقید و التزام و اجتهادی و آزادی می‌باشند. به همین ترتیب راه‌های گفتگو میان گروه‌های اسلامی بسته شده و امکان سازماندهی اختلاف‌ها در چارچوب اسلامی غیرممکن شده است. این وضعیت بهانه‌های خوبی برای ترس از اسلام به دست می‌دهد، آن هم نه فقط در میان غیرمسلمان بلکه در میان خود مسلمانان و حتی میان دعوت‌گران مسلمان، آنان از گروه‌های افراطی خوششان نمی‌آید. این خوف و ترس در میان زنان نیز جای گرفته است.

از دیدگاه غنوشی حرکت اسلامی در زمینه‌های مختلف دارای ضعف‌ها و نارسایی‌هایی است: یکی از عمده‌ترین ضعف‌ها این است که طبیعت و ماهیت

راهبرد مطلوب حرکت اسلامی:

- ۱- باید موضع میان میراث اسلامی فقه، فلسفه اسلام را روشن کنیم،
- ۲- موضعمان را با غرب روشن کنیم،
- ۳- موقعیت سیاسی و اداری موجود در کشورهايمان را بدون در نظر داشتن کافر یا مسلمان بودن مشخص کنیم،
- ۴- راهکار مطلوب ایجاد و تغییر و تحول از نظر خودمان را ارائه دهیم،
- ۵- باید مردم را از لا به لای نیازها و رنجها به اسلام دعوت کنیم،
- ۶- تربیت متكامل در سطح فکر و اندیشه خویش ایجاد کنیم.

ارتباطات و تبادل افکار و تجربه های بین جریان های اسلامی را تجویز می کند. هنگامی که در یک کشور مسلمانان در اکثریت اند و در آن کشور حرکت های اسلامی هم وجود دارند ولی هنوز مردم برداشت درستی از حکومت اسلامی ندارند و آن را حکومت قیدها و استبداد می دانند و اگر حرکت اسلامی در آن به قدرت برسند باز این نظر منفی وجود دارد، آنان می توانند از طریق همکاری و طرفداری از حرکت اسلامی باز می دارد در این صورت می توان با احزاب غیراسلامی که معتقد به دموکراسی و آزادی و ارزشهای انسانی هستند هم پیمان شد و برای رسیدن به یک حکومت صد در صد اسلامی راه درازتر و تدریجی را در پیش گرفت.

جهانی و همه گیر ندارد و بیشتر اوقات در حد مسائل و مشکلات یک منطقه به خصوص باقی می ماند. این ضعف بر خلاف روح واقعی اسلام است که نگرش جهانی دارد و با هر گونه نژادپرستی و تمایلات گروهی مخالف است. ضعف دیگر حرکت اسلامی وجود روشنفکران مذهبی در رهبری جریان های این حرکت، به ویژه جریان های اسلام سنی است. وجود این روشنفکران مذهبی در رهبری جنبشهای اسلامی اطمینان توده ها را جلب نکرده است. مردم به علما اعتقاد دارند و از آنها اطاعت می کنند زیرا توده های مردم علما را راهنمای واقعی بین خود و خدای خود می بینند. ولی روشنفکران مذهبی بیش از پیش سیاستمدار شدند و در نتیجه زبان و رفتار سیاستمداری پیدا کردند و سرانجام به عللی راه خود را از توده ها جدا کنند.

چالشهای امروز حرکت های اسلامی از دیدگاه غنوشی:

- ۱- عدم آگاهی از اسلام حقیقی،
- ۲- استبداد سیاسی موجود در کشورهای اسلامی،
- ۳- ارائه نکردن الگوهای اسلامی در بخش حکومتداری و نظام سازی اسلامی و فرهنگی و هنری،
- ۴- دشمنی غرب با اسلام و ملت های مسلمان،
- ۵- تضادی بین دین و جهان نوین نیست مهمترین چالش حرکت اسلامی است.





راحله عزیززاده

کارشناس رشته مهندسی مدیریت و آبادانی



مصاحبه با خانم راحله عزیززاده



سلام، لطفا خودتان را معرفی کنید

سلام و عرض ادب

بوده اما اولین جرقه ی نوشتن بصورت جدی برای من در دوران دانشگاه و در انجمن ادبی زده شد.

در شعر فارسی حدودا هشت سالی میشود که مشق عشق میکنم و مجموعه شعری هم تقریباً آماده برای چاپ هست که بخاطر حساسیتم در انتخاب اشعار هنوز اقدام جدی برای چاپ انجام نداده ام. در شعر ترکی هم حدود دو سال است که شروع به نوشتن کرده ام.

از انتخاب خودتان راضی هستید؟

قطعا اینطور است. شاید کمی اغراق به نظر برسد، اما از وقتی که شعر جزئی از زندگی ام شده، همیشه مسیر زندگی ام را با شعر همسو کرده ام. حتی مواقعی که مدیریت زندگی و موارد شغلی و شعر بصورت همزمان سخت شده، همیشه کفه ی ترازوی شعر برای من سنگینتر بوده و فکر میکنم اگر عمری باشد همینطور خواهد بود.

در طول این سال ها با بیشتر شعرهایم رفیق شده ام. با بیشترشان زندگی کرده ام. پا به پایشان رفته ام و پا به پایم آمده اند. ممنونم از شعر!

شعر چیست و شما در چه سبکی مینویسید و بنظر شما نوشتن کار ساده ای است؟

شعر به نظرم عواطف ناگفته ی انسانهاست که از ترکیب اندیشه و زبان شکل گرفته و در قالب هنر متولد میشود. هر قدر که احساسات و عواطف انسان عمیق تر و گستره اندیشه ها و دغدغه هایش بیشتر باشد شعرهای زیباتری متولد خواهد شد. در مورد قالب های شعر بنده کلاسیک را بیشتر میپسندم و بیشتر

بنده راحله عزیززاده هستم، متولد پاییز ۶۷ در شهرستان آذرشهر، از استان آذربایجان شرقی. علی رغم اینکه همیشه به ادبیات و شعر علاقه داشتم و اکثر مواقع متن ادبی یا شعر نو مینوشتم، هیچ وقت فکر نمیکردم یک روز شعر تنها راه آرامشم باشد. برای همین بعد از دبیرستان، در رشته مهندسی آبادانی شهر و روستا ادامه داده ام. اما همزمان با درس و دانشگاه، شعر همیشه همراهم بوده و هست.

چند سال به عنوان بازرس و خزانه دار و دبیر اجرایی جشنواره های انجمن ادبی سخن فعالیت داشته ام و همزمان هفتمین دوره شعر جوان انقلاب اسلامی آفتابگردانها را گذرانده ام و اکنون کنار زندگی و کار و فعالیت های فرهنگی دیگر، به عنوان مسئول انجمن ادبی سخن آذرشهر در خدمت دوستان شاعر و نویسنده هستم.

از چه زمانی به سرودن شعر علاقمند شدید؟

شعر در واقع ارث پدری من است که بصورت سماعی از ایشون یاد گرفته ام. دوران دبستان علی رغم اینکه ادبیات را دوست داشتم اما فکر نمیکردم روزی بصورت جدی به سمت شعر و شاعری بروم. دوران راهنمایی بخاطر علاقه ام به شعر هر جا کتاب شعر یا مجله فرهنگی و ادبی میدیدم مطالعه میکردم و چیزهایی هم مینوشتم. دوران دبیرستان در رشته تجربی و بعد در دانشگاه رشته ی مهندسی را ادامه دادم، با اینکه علاقه ام به ادبیات همیشه با من

توصیه شما به علاقمندان ادبیات و شعر

ساده ترین راه موفقیت در شعر به نظم مطالعه کردن است

صبوری کنند و بیشتر بخوانند

برای نوشتن و مخصوصا زیاد نوشتن عجله نکنند

نوشتن تمرین خوبی برای شاعری ست

اما اگر همراه مطالعه نباشد راه به جایی نخواهیم برد

به زبان شعر اهمیت بیشتری بدهند

اندیشه هایشان را وسعت ببخشند

و در نهایت در نوشتن هر مضمونی عشق و عواطف درونی شان را سهیم کنند. با توجه به اینکه مدتهاست کشمکش ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و جنگ و دروغ و... تمام و کمال دنیا را احاطه کرده، تنها چیزی که میتواند اندکی حال انسان را خوب کند، قطعا عشق است. اگر عشق را در اندیشه هایمان جاری کنیم، بی شک شعرهای زیبایی نیز خلق خواهیم کرد

به امید موفقیت تمام شاعران

نمونه شعر

گوز گوزه اولمادیق، بيله م دردینی
باخیش دویونله نسه اورک آپارار
سؤزلر آراسیندا ایتدی سئوگیمیز
باخیش آنلادانی، دیل نه باجارار

سئوگی ایستی کؤز دیر، بوز اورک لره
چیچک له دیندیرر یاتان بوداقی
گؤزلرین گوجونو بیر الله بیلیر
باخیش باخیش اولسا، آریده ر داغی

کئچمیشی اونوتماق چتین دیر اما
ایندی کی گئدیرسن، قاییتما گولوم
بیر عؤمور لای لای لا یاتان اوره یی
سئوگی نین سسیله آییلتما گولوم

آییلسا دوشه جک جانیم منیم
یاشلی گؤزلرینی تیکه ر گؤزومه
بیر به بیر داشیییب خاطیره لر
سن سیز آنلاریمی چکه ر گؤزومه

بیرلیکده اوره بین بؤش دیزینه
دامجی دامجی یاغیب سئوگی یاراتدیق
دالغالی واقتیندا بیر بیریمیزی
حاییف لار حاییف لار آتدیق

شعرهایم غزل و قطعه و چهارپاره و مخمس و رباعی است، اما گاهی سپید هم نوشته ام. ولی اعتراف میکنم هیچ کدام به اندازه غزل حالم را خوب نمیکند و بیشتر نوشته هایم هم در قالب غزل هست. و مضمون اشعارم نیز اکثرا آیینی و عاشقانه ست و البته اشعار عاشورایی و آیینی را هم به نوعی میشود گفت عاشقانه نوشته ام. در واقع سعی کرده ام بجای روایت گری، از منظر عشق به اتفاقات تاریخ نگاه کنم.

شما معتقدید که شاعر متعهد به مفهوم است؟

حتما همینطور است و همیشه سعی کرده ام مضمون و مفهوم فدای وزن و قافیه و... نشود و آن چیزی که میخواهم را بنویسم و به نظم تنها در این حالت است که شعر خوب نوشته خواهد شد.

زمانی که شاعر مجبور میشود بخاطر محدودیت وزن و قافیه مفهوم را نادیده بگیرد، میشود گفت بهتر است از خیر آن شعر بگذرد چون قطعا آن چیزی که باید بشود نخواهد شد.

علاوه بر این گاهی دوستان شاعری هم هستند که اتفاقا اطلاعات جامعی هم در مورد ادبیات و دستور و تکنیک های شعری دارند، و اشعارشان ممکن است داور پسند هم باشد اما مخاطب را متاثر نمیکند و آنطور که باید به دل نمی نشیند و برعکس گاهی شعرهایی میخوانیم که در عین سادگی زبان، روح بسیار لطیفی در شعر جاری ست و هر شنونده ای را متاثر میکند. به نظم این ها برمیگردد به روحیه ی شاعر و میزان عواطفی که میتواند در اندیشه اش باشد.

چند مورد از کارهایی که برای ادبیات انجام داده اید و یا مقام

هایی که کسب کرده اید لطفا معرفی کنید»

دبیر اجرایی سوگواره منطقه ای شعر عاشورایی شمالغرب کشور با عنوان سوگ قلم، ۳ سال متوالی

برگزیده سی و ششمین سوگواره ملی شعر عاشورایی شیراز در سال ۱۴۰۰

برگزیده کنگره ادبی سرّ نی تبریز، ۲ سال متوالی

برگزیده هفتمین جشنواره استانی شعر بسیج هنرمندان، ۲ سال متوالی

برگزیده سومین جشنواره استانی شعر ارسباران

برگزیده کنگره شعر عاشورایی شمالغرب کشور با عنوان سوگ قلم، دو سال متوالی

برگزیده کنگره شعر محرم تبریز و...



طراحی و دوخت یقه های هوشمند و مجزا



سارا نظری

دانشجوی ارشد مهندسی نساجی (علوم الیاف)

کارشناس طراحی و تکنولوژی دوخت

مجزا استفاده شود . حیطة رقابتی این طرح با صنعت پوشاک و صنعت پزشکی است . میتوان گفت با اجرای این طرح هم کمکی به علم پزشکی کرده و هم ضایعات خیاطی را با خلاقیت و هنری جدید تبدیل کرد . ماموریت اصلی برای اجرای این ایده استفاده از منابع درونی و قابلیت استعداد خود را بکار برده . هم با به کار گرفتن مهارت و استعداد دوستانی که در رشته طراحی و دوخت فارغ التحصیل شده اند جذب به کار کرد . شرایط بیرونی و تهدیدی که در این مسیر وجود دارد همین تحریم اقتصادی است و عدم تهیه پارچه هوشمند از کشور های اروپایی است . بهترین فرصت همین بیماری های کنونی در بین جوامع بشری است که مراوا داشته که خدمتی به جوامع بشری حال و آینده داشته باشو و مطمئن هستم که با شعار ملی مان مقاومت اقتصادی خدمتی خواهیم کرد .

منسوجات هوشمند که در زمینه پزشکی طراحی می شوند برای محافظت از بدن انسان هستن که امروزه بیشتر روی الیاف و تولید پارچه های خاص سرمایه گذاری میشود این ایده با توجه به رقبا لباسهای هوشمند ی را طراحی میکنند که با تغییرات احساسات درونی انسان تغییر شکل میدهند مثلا برای لباسی شتاب سنج نصب کرده که با شروع حرکت شخص LED فعال میشود و وقتی شخص می ایستد خاموش میشود

ویا جوراب سلامت طراحی شده که از سنسور هایی در پارچه های داخلی هر جوراب یک دستگاه متصل به پا برای تشخیص داده های دقیق در مورد

یک مسئله مهمی که در عصر جدید وجود دارد بیماری کرونا است که مشکلی بر جوامع بشری تلقی می شود، که برای تشخیص تب افراد با طراحی یقه های هوشمند و یوک دار و سر دست های فانتزی مجزا برای همه ی قشر با تلفیقی از ضایعات خیاطی با ترکیب الیاف ترموست (منسوجات هوشمند) طراحی کرده که این یقه ها با توجه به دمای بدن انسان تغییر رنگ میدهند . این یقه ها هم جنبه تزئینی دارند و چون از پارچه هوشمند ساخته شده باید مجزا از لباس باشد. امروزه در صنعت منسوجات هوشمند سرمایه گذاری زیادی میکنند به طوری که میتوان گفت منسوجات هوشمند الکترو سیگنال تمام متریال های سیگنالی حیاتی بشر را کنترل میکنند که امروزه علاوه بر بخش پزشکی وارد بخش ورزش کاری هم شده است . مزیت این ایده این است که از پارچه کمتری نسبت به سایر محصولات با تنوع زیاد میتوان تولید کرد و هم جنبه تزئینی دارد. این ایده جهت تلفیق علم و هنر میباشد.

با توجه به عوامل اقتصادی، اقلیمی بیماری های جوامع بشری، کالایی که ارائه خواهیم داد چون از مقدار پارچه کم آماده می شود و با توجه به طراحی با تنوع زیاد برای هر سنین قابل استفاده می باشد که هم جنبه تزئینی هم جنبه پزشکی دارد، بنابراین این محصول میتواند از لحاظ اقتصادی کمکی به جوامع بشری کند . ویژگی مهم منحصر به فرد بودن آن است چون قسمتی از پارچه هوشمند تهیه خواهد شد باید به صورت

نقاط ضعف این تولید الیاف هوشمند در ایران تولید نمیشود و با توجه به تحریم ها عدم خرید از کشور های اروپایی وجود دارد و با توجه به هزینه های بالای خرید پارچه های هوشمند امکان خرید مشکل است .

هم جنبه تزئینی دارد و هم جنبه پزشکی ،در صنعت پوشاک هم با طراحی مدل های متنوع همراه است .

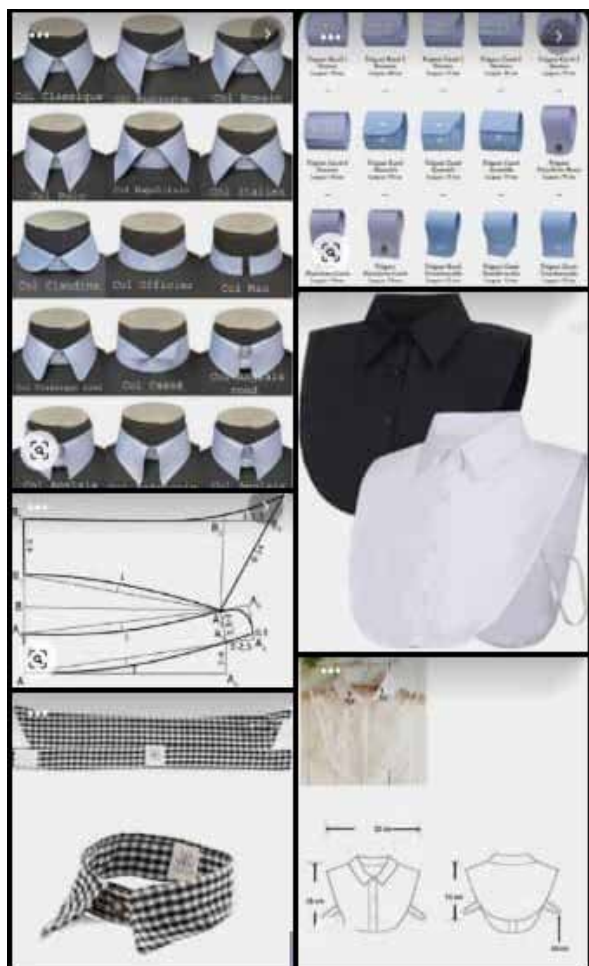
وجه متمایز محصول هوشمند بودن، مجزا بودن است . میتوان گفت ضایعات پارچه های خیاطی را با علم و خلاقیت و هنر تلفیق کردن است .

خانم ها ، سنین نوجوانان، کودکان، افراد مسن . با توجه به تکراری بودن لباس ها در بازار و امکان خرید عده ای که پایین است بیشتر مشتریان تمایل به طراحی لباسهای کاربردی هستند .

نحوه فرود پا و هنگام پیاده روی این سنسور ها از طریق ارتباط بیسیم به برنامه متصل هست که حرکت شخص و حرکت پا اطلاعات عرق پا، مدت زمان، برخورد پا به زمین ،ریتم گام ، ضربان را نشان می دهد. وجه تمایز این طرح الیاف هوشمند کمی نسبت به سایر محصولات استفاده می شود و همچنین جنبه تزئینی و کاربردی دارد.

با طراحی یقه های هوشمند مجزا کالای جدیدی برای تشخیص سریع تب فرد مصرف کننده هست هم جنبه تزئینی و جنبه پزشکی داردو مجزای لباس است .

هدف اصلی این است که علاوه بر طراحی یقه های هوشمند و یا سر دست های فانتزی روی لباس ورزشی کار کنم و حتی طراحی لباسهای خاص مجلسی . هدف دیگر طراحی لباسهای مجلسی و یا لباس عروس به صورت خاص و کاربردی با تلفیقی از صنعت الکترونیک و همچنین طراحی تور عروس به صورتی که سنسور های نوری به آن وصل شود که حالت نورانی و رویایی داشته باشد.





فاطمه سمعی

دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه گیلان



روابط ایران و چین و تاثیر آن بر کشور



باید گفت فلسفه حکومت دو کشور و اعتقادات آن ها درباره‌ی منشأ قدرت و چگونگی اداره کشور کاملاً برعکس یکدیگر است . چین در چند دهه ی اخیر با توجه ی زیاد بر صادرات و ایجاد روابط حسنه با ابر قدرت های جهان سعی در افزایش قدرت خود در سطح بین المللی نموده در حالی ک ایران با توجه به تحریم های شدید تمام عوامل خود را بر تولید ملی به کار برده و در تجارت جهانی نقش چندانی نداشته است .

سوال دوم و به قولی مهم ترین سوال پیرامون روابط ایران و چین : آیا چین قصد کمک و روابط دوستانه با ایران را دارد یا یک سلطه گری مخفی را می پروراند ؟

جواب این سوال را باید در دولت تدبیر و امید جست و جو کرد ؛ جناب روحانی در فروردین ۱۳۹۹ قرارداد ۲۵ ساله همکاری با چین را قبول و امضا کردند که این قرارداد واکنش های زیادی را در پی داشت .

عده ای معتقد بودند ایران با این قرارداد سیاست های چهل ساله ی خود را ترک کرده و پا به قوانین بین الملل گذاشته است ، برخی آن را به عنوان ترکمن چای یاد کرده و خلاف قانون اساسی دانسته اند.

عده ی سوم نظری دیگر دارند ک این نظر بازتاب بیشتری در کشور

فکر نمی کنم این روزها خبری داغ تر از خبر روابط ایران با کشورهای آسیایی و بعضاً اروپایی به گوش مردم یا حتی رسانه ها رسیده باشد . سیاست های رئیس جمهور جناب رئیسی اکثر کشورهای جهان را شگفت زده کرده و همه به دنبال راه حل ها یا سنگ افکنی های جدیدی در رابطه با ایران هستند ؛ که امروز قصد داریم به یکی از این کشورها که تقریباً همه با آن آشنا هستیم بپردازیم ؛ کشور چین!

ایران و چین از زمان های دور تلاش کرده اند هرچقدر سخت روابط خود را با یکدیگر حفظ کنند با این تفاوت که در گذشته چین اصرار به این رابطه داشته و در حال حاضر ایران ! (که چون و چرایی این اصرار بحث امروز ما نیست)

درباره ی این روابط چند سوال مدت زمانی است که ذهن مردم را به خودش مشغول کرده .: که ما امروز به دو مورد آن می پردازیم:

سوال اول اینکه آیا دو کشور از نظر فرهنگی اقتصادی و اجتماعی به یکدیگر نزدیک هستند ؟؟

داشته است. آن‌ها معتقد بودند دولت با این قرار داد به سمت شرق روانه شده و به آن‌ها امتیاز هایی داده است تا پای آمریکا برای همیشه از قاره‌ی کهن کوتاه شود که با توجه به اتفاقات افتاده ی اخیر ضن مردم به یقین تبدیل شده است. طبق قرارداد چین موظف بود بر استعداد های داخلی ما سرمایه گذاری کند بدهکاری خود ناشی از خرید نفت را بپردازد چه با پول نقد چه با صادرات کالاهای درجه یک و با نیروی انسانی به چاه های نفت کشور کمک کند. بعد از امضای قرارداد تا به امروز چینی ها کشور را ترک کرده و به هیچ کدام از بند های قرارداد عمل نکرده آند.

در واقع آن ها رفتاری را انجام دادند ک از آن ها توقع می‌رفت با این قرارداد چین بیش از گذشته به سو استفاده از منابع ایران میپردازد و سدی ست برای پیشرفت ایران در آسیا و متاسفانه این روال تا ۲۵ سال ادامه دارد!

حال باید منتظر تدابیر جناب رئیسی باشیم برای جلوگیری از این قانون شکنی و سو استفاده آشکار!!!





شعر فولکلوریک تورکی آراز آراز



آراز آراز خان آراز سولطان آراز خان آراز

سنی گوروم یاناسان بیر دردیمی قان آراز

آراز سندن کیم گشدی کیم غرق اولدی کیم گشدی

فلک گل ثابت ایله هانسی گونوم خوش گشدی

هارایلار آی هارایلار هر اولدوزلار هر آیلار

دریادا بیر گول یتیم سوسوزونان هارایلار

صمد گلیر گوله گوله دوشونده باخ قیزل گوله

هر الینده دورد کیتاب دوندردی ییزیم دیله

صمد گلیر گوله گوله دوشونده باخ قیزل گوله

هر الینده دورد کیتاب دوندردی تورکی دیله



شیرازی پایان

university of guilan